

فرارسیدن مبعث رسول اکرم(ص) مبارک
و
ولادت حضرت علی (ع) و روز پدر گرامی

ضوابط درج مقالات
در ماهنامه "وخارزم"

ماهنامه وخارزم از دریافت مقالات علمی، تخصصی و کارشناسی در حوزه های مرتبط با اهداف راهبردی گروه سرمایه گذاری خوآرزمی به ویژه در زمینه های اقتصاد کلان، تحولات بازار سرمایه، فناوری اطلاعات، برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی استقبال می کند.

مقالات ارسالی باید شامل این موارد باشد: عنوان مقاله، نام و مشخصات نویسنده یا مترجم(شامل عناوین اصلی علمی و شغلی، شماره تلفن تماس و نشانی الکترونیکی).

چکیده و متن کامل مقاله(مقدمه، متن، نتیجه) در قالب نرم افزار Word-

فهرست منابع و پیوست های احتمالی *
حجم مقالات ارسالی حداکثر تا ۱۰ صفحه A4 (معادل ۳۳۰۰ کلمه) باشد که با احتساب تصاویر، جداول، نمودارها و تیتراژ، نهایتاً از ۴ صفحه نشریه بیشتر نخواهد بود.

تحریریه ماهنامه وخارزم، در ویرایش محتوایی و شکلی مطالب واصله آزاد است و اصل مقاله نیز به ارسال کنندگان محترم مسترد نمی گردد.

مسئولیت محتوای علمی - حقوقی مطالب با نویسنده یا نویسندگان است و ماهنامه از انتشار مقالات منتشر شده در سایر نشریات و رسانه ها معذور می باشد.



نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک: vakharazm@kharazmi.ir

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، فرید دانشفر، علی پویا

شهرزاد همتی، المیرا حصارکی

ایلیا پیرولی، مرجان مصدق، چیا فوادی

علی مانگار، مریم دهقان، نادر هوشمندیار

طراح جلد: سهیل نوری

گرافیک و صفحه آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

امور دفتری: وحیده بهزادی

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب

مقالات، مصاحبه ها و گزارش ها، لزوماً به معنای تأیید

محتوای تمامی آن ها از سوی ماهنامه نیست.



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه گذاری خوآرزمی



شماره چهاردهم - اردیبهشت ۹۴

سال نیکوی ثروت آفرینی

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

شروع نیکوی سال نود و چهار، نوید روزهای خوش و مبارکی را برای اقتصاد در حال بازیابی ایران بزرگ می‌دهد. تاکید بر ضرورت همدلی و هم‌زبانی بین شهروندان و سیاست‌گذاران و مجریان در نام‌گذاری بجا و هوشمندانه سال، در حالی که گسست‌های ریز و درشت موجود، اختلال زیادی را در شیوه تدبیر و به‌سامان رساندن امور ایجاد کرده بود، دستیابی به تفاهمی کم‌نظیر با قدرت‌های بزرگ جهانی، که به دلیل کژتابی‌هایشان در سال‌های گذشته، حصول این میزان از تفاهم را با تردید جدی مواجه ساخته بودند و سیاست‌های اقتصادی اعلام‌شده دولت در آستانه نو شدن سال، همه و همه انتظار برخورداری از سالی پربار را رقم زده‌اند که بارش باران رحمت الهی و نشاط‌انگیز روزهای آغازین فروردین را می‌توان شاهدی عینی برای این پیش‌بینی تلقی کرد و البته کیست که نداند رسیدن به قله‌های پیشرفت اقتصادی و رفع موانع گونه‌گون کسب‌وکار به آسانی و فوریت میسر نمی‌شود و صبر بسیار باید.

مهم‌ترین دستاورد تفاهم سوئیس از منظر اقتصادی، ایجاد امید در کنشگران این عرصه اعم از سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، سیاست‌گذاران و سایر فعالان است. آنچه از دیدگاه کنشگران اقتصادی در پی تفاهم‌نامه یادشده تحلیل می‌شود، این است که رسیدن به این درجه از تفاهم، راه برداشته شدن تحریم‌های مالی و پولی را بسیار هموار کرده و بدیهی است که این راه هموار، رسیدن به مقصد مهم رشد و شکوفایی اقتصاد و تحقق توسعه پایدار را سرعتی مضاعف خواهد بخشید. از این روی بسیاری از تدبیرگران عرصه اقتصاد برای بهره‌برداری از فرصت‌های فراوان دوران پساتحریم، باید برنامه‌ریزی را شروع کرده باشند. آنچه قابل پیش‌بینی است، این است که رفع محدودیت‌های اقتصادی بین‌المللی، بر روی گروه‌های مالی و سرمایه‌گذاری، دو اثر مهم مستقیم و غیرمستقیم دارد. جای تردید نیست که اگر تحریم‌ها رفع شوند و به طور مشخص ایران از یک سو امکان صادرات بیشتر نفت، گاز و فرآورده‌های مربوطه و همچنین محصولات معدنی و غیر نفتی را داشته باشد و از سوی دیگر دستیابی به وجوه مسدودشده و همچنین وجوه حاصل از صادرات بیشتر فراهم گردد، شکوفایی اقتصادی سرعت بالایی به خود خواهد گرفت و در نتیجه تمام پنگاه‌ها بر حسب توان و ظرفیتی که دارند، از برکات آن بهره‌مند خواهند شد، که این همان اثر غیرمستقیم مورد نظر است. به علاوه، دستیابی نسبتاً آسان به بازارهای پولی، مالی و کالایی بین‌المللی، به یکایک شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا با عرضه بیشتر محصولات، تامین ارزان تر منابع، توزیع مناسب تر ریسک و دستیابی به سودهای مناسب و پایدار، زمینه ارتقای برنامه‌های توسعه‌ای خود را فراهم آورند، که این از آثار مستقیم رفع محدودیت‌ها بر پنگاه‌ها بوده و نیز به نوبه خود شکوفایی اقتصادی را موجب خواهد شد. البته نباید از نظر دور داشت که رفع تحریم‌ها، حتی اگر یک‌باره و در یک روز صورت پذیرد، بدین معنی نیست که از نظر فنی و عملیاتی، تمامی محدودیت‌ها در عرصه عمل برداشته شده است، زیرا اگرچه خبر برداشته شدن محدودیت خود می‌تواند اتفاق بسیار بزرگ و مثبتی تلقی شود، اما استفاده عملیاتی از فرصت ایجادشده، نیازمند برقراری نظام‌های مالی، پولی، حمل و نقل و مقد قراردادهای مختلفی است که ممکن است هفته‌ها یا در برخی موارد ماه‌ها به طول بینجامد. از این روی چنین به نظر می‌رسد که فضای سرمایه‌گذاری در نیمه اول سال جاری، بیشتر از امید ایجادشده برای بهبود متاثر خواهد شد و آثار فضای باز ایجادشده بر بخش واقعی اقتصاد در ماه‌های بعد، آن هم به تدریج خود را نشان خواهد داد.

بهره‌برداری از فرصت‌های ایجادشده در آستانه رفع محدودیت‌ها و در دوره پساتحریم، در دستور کار جدی گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی برای تحقق برنامه راهبردی هفت‌ساله در راستای ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها قرار گرفته است. از آن‌جا که در دوران رونق نیز کشتی‌بان را تدبیری دیگر باید، گروه خوارزمی با حضور جدی در عرصه بین‌الملل، ضمن رصد کردن فرصت‌ها، بدون شتابزدگی و با تامل دقیق، تلاش خواهد کرد تا جایگاه درخوری را در بازارهای مالی منطقه و بیرون از آن برای خود رقم زند. این مهم با تشکیل گروه راهبردی سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، آغاز شده است و نیازمند آن است که با پشتیبانی تمامی اعضای گروه در شرکت اصلی، شرکت‌های گروه، طرف قراردادهای و همچنین سهامداران ارجمند بتواند گام‌های مهم و موثری را در این مسیر بردارد. در کنار برنامه‌های بین‌المللی، استفاده از بازارها و فضای مناسب‌تر اقتصاد داخل کشور نیز برنامه مهمی برای خوارزمی است. اجرای مرحله دوم افزایش سرمایه، پذیرش شرکت‌های توسعه برق و انرژی سپهر (نیروگاه منتظر قائم) و توسعه ساختمان خوارزمی در بورس، بهره‌برداری کامل از خطوط تولید جدید لابراتوارهای سینادارو، عملیاتی کردن قراردادهای طرح‌های جدید شرکت توسعه فن‌آوری اطلاعات خوارزمی (مفاخر)، تکمیل طرح تجاری‌سازی نیروگاه منتظر قائم، شروع طرح اجرای کارخانجات فروآلیاژ صدر جهان، افزایش بهره‌وری شرکت‌های گروه و ارتقای ترکیب پورتفولیوی سرمایه‌گذاری گروه که امری مداوم به حساب می‌آید، از برنامه‌های عملیاتی گروه در سال جاری است، که با پیاده‌سازی نظام ارزیابی متوازن برای کلیه شرکت‌ها تلاش می‌شود تا تحقق اهداف پیش‌گفته تضمین شود.

سال نیکوی ثروت‌آفرینی اولین ماه خود را پشت سر می‌گذارد و گروه خوارزمی برآن است تا در دو ماه باقی‌مانده از سال مالی خود، با تحقق کامل برنامه‌های تدوین‌شده، از جمله دستیابی به سودی فراتر از آنچه در سال گذشته تحقق یافت، مسیر رشد پایدار گروه و افزایش دارایی‌ها و ارزش سهام مالکین گران‌قدر را هموارتر سازد، که به گفته خواجه شیرین سخن شیراز:

سال و فال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت

بادت اندر شهریاری برقرار و بر دوام

سال خرم فال نیکو مال وافر حال خوش

اصل ثابت نسل باقی تخت عالی بخت رام .

نگاهی به تاثیر نفت، مدیریت ناکارآمد و مصرف غیر استاندارد بر توسعه در ایران

وقت تنگ است؛ فرصت‌ها را دریابیم

علی پویا



ایران می‌دانند که آبشخور مشترک همه گرفتاری‌های اقتصادی چیست ولی باز هم اتفاقی رخ نمی‌دهد. به عبارتی ما می‌دانیم که چرا اوضاع توسعه در ایران آشفته است اما همچنان در دوره‌هایی برنامه‌ریزان اقتصادی به گونه‌ای رفتار کرده‌اند که انگاری در حال تجربه چندباره مشکلات و معضلات اقتصادی ایران در دهه‌های گذشته هستند. نمونه بارز این ماجرا عملکرد اقتصادی مدیران کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که طی ۵۶ سال گذشته، بدترین سال به لحاظ نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص با منفی ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۱ بوده است. توجه کنید در این سال ایران بیش از ۵ سال بیشترین درآمدهای نفتی را تجربه کرده است اما باز هم بعد از این اوج درآمدهای نفتی کار به جایی رسیده است که منفی‌ترین رشد

اقتصاد ایران در چند دهه گذشته تجربه‌های متفاوتی را به دست آورده است اما آن‌طور که باید نتوانسته بر اساس این تجربه‌ها به الگوهای نوین توسعه دست یابد. کارشناسان و تحلیل‌گران توسعه دلایل زیادی برای این اتفاق ارائه می‌دهند؛ دلایلی که در همه آن‌ها نفوذ بیش از اندازه دولت، نیروهای صاحب رانت، الگوی نامناسب مصرف و از همه مهم‌تر نقش نه چندان خوشایند نفت در حد و اندازه‌های زیادی به چشم می‌خورند. به نظر می‌رسد وقتی از گره‌های اقتصادی ایران در چند دهه قبل میانگین گرفته شود، همه این گرفتاری‌ها در نهایت همین عناصر مشخص را به عنوان پرتگاه توسعه در ایران معرفی می‌کنند. نکته جالب ماجرا این جاست که به نظر می‌رسد طی سال‌های گذشته، هم کارشناسان و هم برنامه‌ریزان اقتصادی و هم دست‌اندرکاران اقتصاد در

هستند، برای همین از هر زمانی که برنامه‌ریزان اقتصادی بخواهند ورق را به گونه‌ای دیگر برگردانند حتماً بهترین زمان است و به اندازه کافی دیر چنین تصمیمی را اتخاذ کرده‌اند. درواقع اگر همین الان هم بخواهیم توسعه را از مثلث نفت، مدیریت ناکارآمد و مصرف غیر استاندارد نجات بدهیم، آن قدر دیر برای این کار اقدام کرده‌ایم که غیر قابل محاسبه است. گروهی

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص باید در همین سال به وقوع بپیوندد. (جدول یک) البته این تنها بخشی از ماجرا است. وقتی اطلاعات اقتصادی مرور می‌شود، به‌خوبی مشخص است که می‌توان بعد از چند سال فروش طلایی نفت، از سال ۹۱ با عنوان یکی از سیاه‌ترین سال‌های اقتصادی ایران یاد کرد. همان‌طور که در جدول یک مشخص است، از سال ۸۴ تا سال ۹۱ کمترین

جدول شماره یک

شرح مقایسه بالاترین و پایین‌ترین رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری طی (۱۳۹۲-۱۳۳۸)									
بالاترین رشد اقتصادی		بالاترین رشد سرمایه ثابت ناخالص		پایین‌ترین رشد اقتصادی		پایین‌ترین رشد سرمایه ثابت ناخالص		سال	
مقدار	سال	مقدار	سال	مقدار	سال	مقدار	سال	مقدار	سال
۱۸.۱	۱۳۵۵	۹۱.۳	۱۳۵۵	-۳.۲	۱۳۵۶	-۱۴.۷	۱۳۵۶	۲۳.۷	۱۳۵۵
۲۲.۸	۱۳۶۱	۳۷.۳	۱۳۶۲	-۲۳.۲	۱۳۵۹	-۲۹.۵	۱۳۵۸	۱۳.۱	۱۳۶۲
۱۴	۱۳۶۹	۵۲.۵	۱۳۷۰	-۰.۹	۱۳۷۳	-۱۳.۹	۱۳۷۲	۹.۸	۱۳۷۰
۸.۴	۱۳۸۲	۲۴.۶	۱۳۸۰	-۰.۸	۱۳۷۶	۱.۶	۱۳۷۷	۱۳.۸	۱۳۸۱
۷.۷	۱۳۸۶	۱۱.۱	۱۳۸۶	-۶.۸	۱۳۹۱	-۲۳.۸	۱۳۹۱	۹.۹	۱۳۸۶
۲۲.۸	۱۳۶۱	۵۲.۵	۱۳۷۰	-۲۳.۲	۱۳۵۹	-۲۳.۸	۱۳۹۱	۲۳.۷	۱۳۵۵

از کارشناسان این روزها البته بر این باورند که بهترین کار برای قرار گرفتن در کاروان توسعه، مقابله با فساد است. این نکته می‌تواند درست باشد اما نباید فراموش کرد که فساد اقتصادی نیز نتیجه شکل گرفتن همان مثلث است. به نظر می‌رسد در حال حاضر و از آنجایی که بعد از انجام توافق احتمالی در مذاکرات هسته‌ای، تحریم‌ها نیز بار خود را از روی سر اقتصاد ایران برمی‌دارند، ضرورت دارد تا دولتی‌ها با راهبردی ویژه به استقبال دوران تازه توسعه در ایران بروند. منظور از راهبرد ویژه این است که بدانیم در آینده می‌خواهیم با اقتصاد و توسعه در کشور چه رفتار و برخوردی داشته باشیم. به نظر می‌رسد کمترین اقدام مثبت این است که دولتی‌ها مسیر ورود سرمایه‌های آواره به سمت بازار سرمایه را هموار بکنند، تا جریان تامین مالی در کشور مطابق با استانداردهای واقعی اقتصادی همراه شود. زمان حاضر بهترین موقع برای این است که برنامه‌ریزان اقتصادی از

جدول شماره دو

شرح مقایسه بالاترین و پایین‌ترین رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری طی (۱۳۹۲-۱۳۳۸)									
بالاترین رشد اقتصادی		بالاترین رشد سرمایه ثابت ناخالص		پایین‌ترین رشد اقتصادی		پایین‌ترین رشد سرمایه ثابت ناخالص		سال	
مقدار	سال	مقدار	سال	مقدار	سال	مقدار	سال	مقدار	سال
۱۸.۱	۱۳۵۵	۹۱.۳	۱۳۵۵	-۳.۲	۱۳۵۶	-۱۴.۷	۱۳۵۶	۲۳.۷	۱۳۵۵
۲۲.۸	۱۳۶۱	۳۷.۳	۱۳۶۲	-۲۳.۲	۱۳۵۹	-۲۹.۵	۱۳۵۸	۱۳.۱	۱۳۶۲
۱۴	۱۳۶۹	۵۲.۵	۱۳۷۰	-۰.۹	۱۳۷۳	-۱۳.۹	۱۳۷۲	۹.۸	۱۳۷۰
۸.۴	۱۳۸۲	۲۴.۶	۱۳۸۰	-۰.۸	۱۳۷۶	۱.۶	۱۳۷۷	۱۳.۸	۱۳۸۱
۷.۷	۱۳۸۶	۱۱.۱	۱۳۸۶	-۶.۸	۱۳۹۱	-۲۳.۸	۱۳۹۱	۹.۹	۱۳۸۶
۲۲.۸	۱۳۶۱	۵۲.۵	۱۳۷۰	-۲۳.۲	۱۳۵۹	-۲۳.۸	۱۳۹۱	۲۳.۷	۱۳۵۵

میزان رشد اقتصاد با نفت (منفی ۶.۸ درصد) نیز به وقوع پیوسته است. براساس اعلام اوپک، طی هشت سال ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، کشور از طریق صادرات نفت بیش از ۵۷۸ میلیارد دلار درآمد داشته است. این یعنی در هشت سال ریاست احمدی‌نژاد، درآمدهای نفتی نسبت به دوره قبل‌تر، یعنی سیدمحمد خاتمی ۲۴۶ درصد افزایش داشته است. در دو دوره ریاست جمهوری، هاشمی‌رفسنجانی کشور جنگ‌زده ایران را تنها با ۱۲۳ میلیارد دلار اداره کرد و دولت میرحسین موسوی جنگ را با ۱۰۳ میلیارد دلار اداره کرد. کل درآمدهای نفتی ایران از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۲ برابر ۱۰۱۰.۹۲ میلیارد دلار بوده، که درآمد هشت سال احمدی‌نژاد از این ۳۱ سال، بیش از ۵۷ درصد بوده است. یعنی ۵۷ درصد درآمدهای نفتی کشور در دو دولت احمدی‌نژاد تجمیع شده است. کل درآمدهای سه دولت قبلی روی هم برابر ۴۳۲.۵۹ میلیارد دلار بوده، یعنی شش دولت موسوی، هاشمی و خاتمی روی هم تنها نزدیک به ۷۵ درصد دو دولت احمدی‌نژاد، درآمدهای نفتی داشتند. اما به‌وضوح نتیجه این رشد درآمد نفتی مشخص است. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که نفت هرگاه توانسته دلارهای بیشتری وارد کشور کند، نه تنها مزیتی مولد برای توسعه به همراه نیاورده است بلکه در دوره‌های طلایی قیمت، رنگ سیاه را نیز به توسعه ایرانی هدیه داده است. در جدول دو مشخص است که بعد از دوران پرشکوه نفتی، تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه به میزان ۶.۸ درصد منفی است و همین مولفه بدون محاسبه نفت به میزان ۰.۹ درصد یک رقم منفی دیگر را برای تاریخ اقتصادی به یادگار گذاشته است. در جدول سه نیز البته می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد که درآمد ملی نیز نسبت به سال‌های قبل منفی ۱۷.۱ درصد را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد جغرافیای اقتصادی ایران به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا و چگونه بلایی چنین طی سال‌های گذشته بر سر اقتصاد ایران نازل شده است. البته بدون شک نمی‌توان گفت که نفت دلیل اصلی این پیامد اقتصادی است. نفت درواقع وسیله‌ای بوده است که در زمینه مدیریت ناکارآمد و مصرف غیر استاندارد در اقتصاد ارقامی به شکل و شمایل فوق را برای تاریخ توسعه در ایران به یادگار گذاشته است. بدون شک خیلی بیراه نیست اگر بگوییم اقتصاد و توسعه در ایران کلکسیون تجربه‌های ناخوشایند

شرح رشد هزینه ناخالص داخلی و اجزای آن طی دوره (۱۳۹۱-۱۳۸۴) به قیمت ثابت ۱۳۸۳- درصد

متوسط دوره (۱۳۸۴ - ۱۳۹۱)	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴.۲	-۱.۷	۴.۲	۴.۲	۲.۳	-۳.۷	۱۲.۸	۸.۳	۸.۴	هزینه‌های مصرفی خصوصی
-۱.۳	-۷.۳	-۳.۴	-۳.۸	۰.۱	۰.۹	-۷.۷	۶.۶	۴.۶	هزینه‌های مصرفی دولتی
۰.۹	-۲۳.۸	۳.۵	۳.۸	۲.۹	۱۱.۰	۱۱.۱	-۱.۴	۴.۷	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
-۲.۲	-۳۵.۷	۶.۶	۸.۰	۲.۶	۷.۴	۱.۵	-۱.۶	۲.۴	ماشین‌آلات
۳.۴	-۱۳.۸	۱.۰	۰.۸	۳.۲	۱۳.۹	۲۰.۲	-۱.۲	۶.۸	ساختمان
-۱.۲	-۲۰.۵	-۰.۳	۷.۵	۱.۶	-۲.۶	-۰.۲	۴.۵	۳.۵	صادرات کالاها و خدمات
-۲.۶	-۲۳.۱	-۹.۴	۳.۰	-۱.۸	۵.۵	۷.۲	۳.۰	-۱.۲	واردات کالاها و خدمات
۳.۲	-۶.۶	۳.۷	۶.۶	۲.۳	۰.۹	۹.۱	۵.۷	۴.۲	هزینه ناخالص داخلی
۳.۷	-۱۷.۱	۶.۳	۹.۸	-۴.۱	-۰.۷	۱۱.۸	۶.۳	۱۳.۰	درآمد ملی

تداخل در نظام تصمیم‌گیری/ ضعف بخش غیردولتی/ تصدی‌های بالای بخش عمومی و استهلاک زیاد سرمایه‌ها» مشکلات و معضلات اصلی تولید و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند، که بدون شک آن‌ها را در جایی جز بازار سرمایه و تحت نظر بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و مولد نمی‌توان بر طرف کرد. ارقام موجود در جدول‌های این گزارش نشان می‌دهد که وقت آن قدر تنگ است که هر شوخ‌طبعی با شاخص‌ها می‌تواند دوباره یک دوران طلایی را به دورانی سیاه تبدیل کند. از امکانی که در آینده برای توسعه به وجود می‌آید باید بهترین استفاده را کرد و این جز با تعقل اتفاق نمی‌افتد.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارتل‌های اقتصادی بخواهند که در تدوین راهبرد برای خیزش دوباره توسعه در ایران دست به کار شوند. «درون‌زا نبودن رشد اقتصادی و اتکای آن به راهبردهای مبتنی بر نهاده‌ها و نه بر ارتقای بهره‌وری عوامل تولید/ تاکید بر بخش تولید کالایی برای دستیابی به رشد و توسعه و توجه کمتر به تولید خدمات به‌ویژه خدمات زیربنایی/ پایین بودن قدرت جذب منابع در اقتصاد/ پایین بودن ضریب بازدهی سرمایه/ توسعه ناکافی نهادها و بازارها و ابزارهای مالی جهت تامین مالی طرح‌ها/ فضای نامناسب کسب‌وکار/ وابستگی اقتصاد و بودجه دولت به درآمد نفتی/ وابستگی بخش قابل توجهی از تولیدات داخلی به واردات/



اهالی بازار سرمایه چگونه به توافق هسته‌ای نگاه می‌کنند

توفیق اجباری برای بورس

بالاخره اتفاق افتاد. مدت‌ها بود که بسیاری از کارشناسان، تحلیل‌گران و فعالان اقتصادی و طیف وسیعی از بخش‌های مختلف مردم، در انتظار بودند تا تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در مقابل دوربین لب‌خند بزنند و خبر خوب توافق هسته‌ای را در اختیار اقتصاد ایران قرار دهد. سیزدهمین روز از فروردین ماه امسال این خبر مخابره شد، که انتظارات تا حدودی به نتیجه رسیده‌اند. حالا دیگر کار تاریخ هم جالب شده است. هر سال آخرین روز از سال و شروع تعطیلات بهار، یعنی ۲۹ اسفند مصادف است با سالروز جشن میهنی ملی شدن صنعت نفت و از امسال ۱۳ فروردین یعنی آخرین روز از تعطیلات نوروزی نیز مصادف است با جشن نخستین قدم از ایجاد توافق هسته‌ای. این یعنی یک گردش ماندگار در تاریخ، که از امسال همه مردم آن را دوره می‌کنند. البته اگر بیچ آخر توافق هسته‌ای در دهم تیرماه نیز به نتیجه برسد. سیزدهم فروردین ماه درواقع مسیر را برای رسیدن به توافق نهایی در دهم تیرماه هموار کرده است. اما فارغ از همه این‌ها، آیا واقعا باید برای توافق هسته‌ای و پایان تب دیپلماسی در مذاکرات هسته‌ای شادمان بود؟ این پرسش را با کارشناسان بازار سرمایه در میان گذاشتیم، همه آن‌ها بدون کوچک‌ترین مکثی پاسخ مثبت به این پرسش دادند ولی نگرانی‌هایی نیز در دهلزهای پاسخ خود جای داده بودند، که دوره کردن آن‌ها به نظر می‌رسد می‌تواند برای ایجاد راهبردهای اقتصادی مفید باشد.

توافق؛ یک امکان برای توسعه در ایران

علیرضا ربانی، از فعالان بازار سرمایه می‌گوید: «باید برای رسیدن به توافق هسته‌ای شادمان بود. شک نباید کرد که رسیدن به توافق یک امکان دوباره در اختیار ایران است، که می‌تواند از گره‌های اقتصادی چند سال گذشته رها شود. اصولا دیپلماسی اقتصادی اگر به گشایش برسد، این خاصیت را دارد که موقعیت‌های جدید برای اقتصاد به وجود آورد.»

وی ادامه می‌دهد: «در مورد توافق هسته‌ای نیز این مسئله با قدرت و شدت بیشتری وجود دارد. اقتصاد ایران طی چند سال گذشته، به خاطر سیاست‌های نامناسب اقتصادی به مرز بحران رسید. در چنین

شرایطی که برای اقتصاد به وجود آمد، بسیاری از پتانسیل‌های اقتصادی از بین رفتند برای همین فقط یک نیروی تازه که قدرتی فراتر از ویرانی‌های اقتصاد ایران داشته باشد می‌تواند در میان مدت به داد اقتصاد و توسعه در ایران برسد.»

ربانی می‌گوید: «مذاکرات این خاصیت را دارد. چون تصویر ایران در بازارهای جهانی را تلطیف می‌کند و می‌تواند موج و خیزش سرمایه‌گذاران به ایران را فراهم سازد. در این شرایط این مجال برای اقتصاد به وجود می‌آید که بتواند خود را از گردنه‌های خطرناک چند سال گذشته نجات دهد. منتهی مسئولین دولتی باید آگاهی برای استفاده از این خیزش را داشته باشند.»

وی توضیح می‌دهد: «در چند سال گذشته بیشترین آسیب‌ها به خاطر فقدان مدیریت روی دوش اقتصاد ایران بار شد. برای همین مدیریت توسعه بعد از توافق بسیار مهم است. تا همین چند ماه پیش فاصله گرفتن بانک‌ها از ماموریت‌های اصلی و ناهنجاری‌های اقتصادی زیادی که در بازارهای حاشیه‌ای بود، به وضوح نشان داد تا زمانی که بورس در اقتصاد کشور قدرت واقعی نداشته باشد، تامین مالی فعالیت‌های مولد همیشه با گره‌های زیادی همراه است. اگر توافق به نتیجه برسد، مسئولین اقتصادی باید با ترفندهایی منابع را به سمت بورس هدایت کنند و وظیفه تامین مالی را نیز بر عهده این نهاد اقتصادی قرار دهند.»

مذاکرات و شکوفایی بورس

بهنام بهزادفر، مدیر امور اعضای کانون کارگزاران بورس نیز در پاسخ به پرسش ما می‌گوید: «توافق در مذاکرات هسته‌ای یکی از اتفاقات مثبت برای توسعه در ایران است، چون پیامدهای آن می‌تواند ورق را در توسعه به نفع بهبود شاخص‌ها تغییر دهد. من از این توافق استقبال می‌کنم، چون بر این باورم که در سال آینده قلب تپنده اقتصاد ایران، یعنی بورس تحت تاثیر این توافق، رفتار و عملکرد مثبتی خواهد داشت.»

وی ادامه می‌دهد: «البته چنین چیزی منوط به این است که مسیر این تفاهم یک توافق نهایی باشد. اگر این اتفاق رخ دهد، از یک سو پای سرمایه‌گذاران خارجی به ایران باز می‌شود و از سوی دیگر پول‌های بلوکه‌شده به کشور برمی‌گردند. این پول‌ها در شرایطی که بهای نفت کاهش زیادی را تجربه می‌کند، می‌توانند بهترین کمک برای اقتصاد کشور باشند.»

بهزادفر خاطرنشان می‌سازد: «برخی از سیاست‌های داخلی نیز این امیدواری را تقویت می‌کند. مثلاً برای رونق بهتر واحدهای مولد اقتصاد قرار است نرخ سود بانکی کاهش یابد اگر این اتفاق رخ دهد سرمایه‌ها از بطالت در بازارهای حاشیه‌ای خارج می‌شوند و در روند مولد بازار سرمایه به کار می‌افتند. چنین چیزی در شرایطی که تحریم‌ها نیز بر طرف شده است، قدرت بازار سرمایه را با سرعت تصاعدی بالا می‌برد.»

وی می‌گوید: «اگر بخواهیم ساده تحلیل کنیم، می‌توان گفت که توافق کلی و رفع تحریم‌ها فضای کسب‌وکار کشور را بهبود می‌بخشد و باعث می‌شود تا در یک دوره دو الی سه ساله، بازار سرمایه دگرگونی مثبتی را تجربه کند. چنین اتفاقی شکوفایی اقتصاد و توسعه کشور را به ارمغان می‌آورد. به همین خاطر باید برای توافق در مذاکرات هسته‌ای شادمان بود. چون به تعبیری دیگر می‌تواند کار را به جایی برساند که بتوانیم بورس را در جایگاه واقعی و ارزشمند خود قرار دهیم، تا از طریق پتانسیل آن بتوانیم پره‌های توسعه را باز کنیم.»

طی سال‌های گذشته آن‌قدر بازار سرمایه برای رسیدن به جایگاه واقعی و مطلوب خود با دست‌انداخت‌های زیادی روبه‌رو بوده که حالا برخی از فعالان بازار سرمایه به گونه‌ای سخن می‌گویند که انگار مذاکرات نقش یک توفیق اجباری را برای بورس ایفا می‌کند. درواقع به باور این گروه از کارشناسان، اگر تحریم‌ها برطرف شود و سرمایه‌های خارجی نیز وارد کشور شوند، این اتفاق در کنار برخی از سیاست‌های داخلی می‌تواند به شکل خودکار بورس را به جایگاهی در روند توسعه که شایسته آن است برساند. از منظری نمی‌توان از کنار این ادعا به‌سادگی عبور کرد. افزایش پتانسیل‌های توسعه بعد از توافق و رفع تحریم‌ها، به گونه‌ای است که نهادهای جز بازار سرمایه نمی‌توانند یا توانایی آن را ندارد که این پتانسیل‌ها را در خط و سیر اقتصاد مولد قرار دهد. از این منظر شاید بتوان گفت که شاید دیگر چاره‌ای برای اقتصاد کشور نمی‌ماند که یک‌بار برای همیشه بازار سرمایه را به عنوان منجی تامین سرمایه بپذیرد و بزرگ‌ترین بارها را از روی دوش توسعه ایرانی بردارد.

توافق هسته‌ای باید شادمان بود، چون نگاه را به توسعه در ایران تغییر می‌دهد اما به نظر من تاثیر این توافق در جایی مثل بازار سرمایه نیاز به پیش‌شرط‌هایی دارد، که برنامه‌ریزان دولتی باید آن را فراهم سازند.»

وی می‌گوید: «این روزها از هر کس پرسشی که توافق در مذاکرات هسته‌ای چه تاثیری بر اقتصاد دارد، به درستی می‌گوید تاثیرش مثبت است. درواقع این چیزی نیست که کسی نداند یا برای پاسخ آن مجبور شود زیاد به ذهنش فشار بیاورد. به طور طبیعی وقتی یک پیروزی در عرصه دیپلماسی به وجود می‌آید که به واسطه آن پای سرمایه‌گذاران بیشتری به اقتصاد باز می‌شود، حتماً شاخص‌ها در موقعیت برتری قرار می‌گیرند. یعنی باید قرار بگیرند مگر این‌که کارشکنی، ضعف و ناکارآمدی مدیریتی مانع این کار شود.»

رادیو رادپور خاطرنشان می‌سازد: «برای همین زیاد نباید حرف‌های تکراری زد، چون همه می‌دانند که این توافق باید در اصل موجب ارتقای اقتصاد مولد و بازار سرمایه شود اما اگر نشد باید گفت که یا ناکارآمدی

این روزها از هر کس پرسشی که توافق در مذاکرات هسته‌ای چه تاثیری بر اقتصاد دارد، به درستی می‌گوید تاثیرش مثبت است. درواقع این چیزی نیست که کسی نداند یا برای پاسخ آن مجبور شود زیاد به ذهنش فشار بیاورد. به طور طبیعی وقتی یک پیروزی در عرصه دیپلماسی به وجود می‌آید به واسطه آن پای سرمایه‌گذاران بیشتری به اقتصاد باز می‌شود

بوده یا برخورد منافع، که این اتفاق رخ نداده است. این را از این منظر می‌گویم که وقتی تحریم‌ها برطرف شد، مدیران و دست‌اندرکاران سیاست‌های اقتصادی مثلاً بانک‌ها دوباره به سمتی نروند که از این امکان در جهت بنگاهداری استفاده کنند و باز هم بورس در سایه اتفاقاتی از این دست به صورت مصنوعی زندگی کند.»

این فعال بازار سرمایه می‌گوید: «اگر تحریم‌ها حذف شوند و سرمایه‌های خارجی به ایران بیایند، بهترین فرصت به دست می‌آید تا یک‌بار برای همیشه با تغییر جایگاه بازار سرمایه، کاری کنیم که بورس وظیفه تامین مالی کشور را بر عهده بگیرد. اگر این اتفاق رخ دهد، یعنی به سمت توسعه مولد رفته‌ایم. اما اگر به جای این کار دوباره فضای رشد دلالتی و واردات مصرفی باز شود، دیگر باید قید توسعه مولد را بزنیم. به نظر من همه چیز دست مدیران و برنامه‌ریزان اقتصادی و گروه‌ها و نهادهایی است که صاحب قدرت در اقتصاد هستند. با رفع تحریم‌ها و پیروزی در توافق، تازه کار آغاز می‌شود.»

ربانی ادامه می‌دهد: «کاهش نرخ سود بانکی برای هدایت سرمایه‌ها به سمت بازار سرمایه، یکی از راهبردهایی است که اکنون و در زمان کاهش تورم می‌تواند برای رونق بورس مفید باشد. در زمان بعد از توافق که سرمایه‌گذاران خارجی نیز به ایران می‌آیند، داشتن یک بازار سرمایه کارآمد می‌تواند اصل و زیربنای جهش توسعه باشد. مدیران اقتصادی از حالا باید با دعوت از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و اعضای تاثیرگذار بورس، راهبرد بهینه شدن بازار سرمایه را تدوین کنند.»

روان‌درمانی اقتصاد با توافق هسته‌ای

شاهین شایان‌آرانی، یکی دیگر از فعالان بازار سرمایه است، که می‌گوید توافق هسته‌ای می‌تواند موجب رشد اقتصاد کشور شود. او ادعای خود را این‌گونه تشریح می‌کند: «چند سالی می‌شود که به دلیل تاثیر روانی سیاست‌های اقتصادی بر بازار، اقتصاد در ایران رخوت شدیدی را تجربه می‌کند. از این منظر می‌توان امید داشت که در کوتاه‌مدت توافق هسته‌ای به دلیل بار مثبت روانی‌ای که دارد، آرامش را به بازارهای اقتصاد ایران بازگرداند و از حجم رخوت بکاهد.»

وی ادامه می‌دهد: «توافق هسته‌ای بدون شک فضای کسب‌وکار کشور را مثبت می‌کند، که بورس نیز زیرمجموعه این فضای کسب‌وکار است. البته این نکته را نباید فراموش کرد، که در ایران جایی مثل بازار سرمایه همچنان از فضای روانی ناشی از فعل و انفعالات اقتصادی تاثیر می‌گیرد و این تاثیر بر دامنه نوسان شاخص می‌افزاید. از این منظر چون ما به لحاظ حجم عرضه و تقاضای بورس جایگاهی مناسبی نداریم، می‌توان گفت که افزایش نوسان انعکاس خوبی برای بازار ندارد اما بعد از مدتی ثبات ناشی از توافق می‌تواند بازار سرمایه را روی خط بهبود قرار دهد.»

شایان آرانی توضیح می‌دهد: «به عبارتی باید چند ماهی صبر کرد تا نتایج این توافق به وضوح دیده شود. یعنی بعد از توافق نهایی در دهم تیرماه، اقتصاد ایران و بازار سرمایه چند ماهی نیاز دارد تا اثر مثبت استفاده از رفع تحریم‌ها را به تصویر بکشد. این نکته را البته نباید فراموش کرد که بازار ارز نیز تاثیر زیادی از این توافق می‌گیرد.»

وی می‌گوید: «برای کوتاه‌مدت بعد از توافق قیمت ارز کاهش می‌یابد اما در مورد بازار سرمایه این تاثیر بدون شک جدی‌تر خواهد بود، چون دایره اطمینان به کسب‌وکار اقتصادی را بزرگ‌تر می‌کند. به همین خاطر می‌توان امید داشت که بورس رونق خوبی را تجربه می‌کند. وقتی اطمینان از فضای کسب‌وکار افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذارانی که از کنار بازار سرمایه عبور می‌کردند این بار وارد بازار سرمایه می‌شوند و این یعنی یک توان مضاعف برای بورس، که بتواند وظیفه تامین مالی را بر عهده بگیرد. حتی سرمایه‌داران کوچک نیز وقتی چنین چیزی را ببینند، ترغیب می‌شوند که وارد بازار سرمایه شوند. دولت وظیفه دارد که اگر کار به این جارسید، از ایفای نقش بورس در اقتصاد کشور مراقبت کند.»

تاثیر توافق، نیاز به پیش‌شرط دارد

رامین رادیو رادپور نیز یکی دیگر از فعالان بازار سرمایه است، که این‌گونه به پرسش ما پاسخ می‌دهد: «برای

نگاهی به افزایش دو هزار واحدی شاخص بورس، تنها چند ساعت بعد از تفاهم لوزان

وقته شاخص‌ها هیجان زده می‌شوند

ایلیا پیرولی

چه سهمی بخرید

مدیرعامل شرکت بورس همچنین در یک توصیه به سهامداران گفت: «در بازار منفی و مثبت همواره گفته می‌شود که هر دارایی قیمت خاص خود را داشته و نباید سرمایه‌گذاران هر سهمی را در هر قیمتی خریداری کنند بلکه حتما باید با مطالعه و کارشناسی این کار صورت گیرد.»



و بنگاه‌های اقتصادی در میان مدت و بلندمدت خود را نشان می‌دهد ولی با توجه به این که خبر مثبتی در حوزه بین‌المللی منتشر شده، باعث می‌شود که در کوتاه‌مدت گرایش مطلوب و مثبتی به بازار سرمایه وجود داشته باشد.»

او ادامه داد: «بازار سرمایه بعد از مدت‌ها رکود، دیروز به خبر توافق هسته‌ای واکنش مثبتی نشان داد، چون مسائل سیاسی ابهام بزرگی برای بازار سرمایه ایجاد کرده بود و این ابهام مهم برطرف شده است، در نتیجه بازار سرمایه واکنش بسیار مثبتی به این خبر نشان داد، به طوری که سفارش‌های خرید در بازار و رشد قیمت‌ها افزایش پیدا کرد.»

قالیباف اصل عنوان کرد: «سال گذشته سال رکود بود و فرصت تأمین مالی در بازار سرمایه وجود نداشت، ولی امروز این امیدواری وجود دارد که با تداوم رونق در بازار سرمایه، بنگاه‌های اقتصادی به فکر تأمین مالی در اجرای پروژه‌های جدید باشند.»

مدیرعامل شرکت بورس یادآور شد: «محدودیت‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته در طرح‌های توسعه‌ای و پروژه‌های شرکت‌ها تأثیرگذار بود، به طوری که شرکت‌ها در واردات تجهیزات به دلیل تحریم‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بودند، به این ترتیب اگر این محدودیت‌ها برطرف

تفاهم سیاسی یا توافق مقدماتی ایران با ۶ قدرت جهانی، شاید خیلی زودتر از آن که می‌شد حدس زد بازار را در ایران تحت تأثیر قرار داد. این نشان می‌دهد که اقتصاد ایران تشنه یک خبر خوب یا یک اتفاق سفید است تا رشدی تاریخی را در شاخص‌های خود به ثبت برساند. از این منظر می‌توان گفت که تعطیلات نوروز ۱۳۹۴ پرشورترین تعطیلات بهاری در تاریخ ایران محسوب می‌شوند، چون در آخرین روز این تعطیلات دو هفته‌ای ماجرای لوزان با خنده تمام شد و دقیقا فردای این تعطیلات یا فقط چند ساعت بعد از پایان نیمه شب آخرین روز از تعطیلات بهاری، بازار در ایران گرفتار هیجان ناشی از مذاکرات هسته‌ای شد. به خاطر همین مسئله می‌توان گفت که بازار در ایران بدون شک به شدت در انتظار روزی است که روحیه خود را با شنیدن خبری تمام غنی شده به دست آورد و در نقطه‌ای بهینه قرار بگیرد. تندترین واکنش را به خبر لوزان شاخص‌های بازار سرمایه نشان دادند. در نخستین روز کاری بعد از سیزدهم فروردین ماه، شاخص‌های بیش از دو هزار واحد رشد کردند و شاخص کل از مرز ۶۷ هزار واحد عبور کرد. این یک شوک برای بازار سرمایه محسوب می‌شود. در پایان پاییز سال ۱۳۹۳ وقتی معلوم شد که توافق هسته‌ای به جایی نرسیده است و این کش و قوس باید چند ماهی دیگر ادامه یابد، بورس تهران آشکارا در مسیر نزولی قرار گرفت و حالا درست در نقطه عکس، تنها یک تفاهم سیاسی (قبل از توافق نهایی در دهم تیر ماه امسال) باعث شد تا بورس بعد از خمیازه چند روز تعطیلی، یک پرش خیره‌کننده دو هزار واحدی را به ثبت برساند. البته این تمام ماجرا نیست، در همان روزها؛ یعنی بلافاصله بعد از این شتاب دو هزار واحدی برخی از کارشناسان با نگرانی از آینده بازار سرمایه سخن گفتند. این گروه از کارشناسان بر این باورند که یک صعود بزرگ با یک اتفاق کوچک، می‌تواند تبدیل به سقوطی غیر منتظره شود. به طور حتم نمی‌توان از کنار این اظهار نظرها به سادگی گذشت، چون هنوز تا توافق نهایی نزدیک ۹۰ روز مانده است و باید این پیش‌فرض را در نظر گرفت که اگر ورق به هر شکلی برگردد، باز هم سهامدارانی که فوری در صف قرار می‌گیرند باید متحمل زیان‌های کوچک و بزرگی شوند. چند ساعت بعد از رشد دو هزار واحدی شاخص‌ها، مدیرعامل شرکت بورس نخستین کسی بود که نسبت به امید شکل‌گرفته سهام‌داران هشدار داد. او به رسانه‌ها گفت که باید دست به عصا راه رفت و در مقابل هر هیجانی ایستاد.

در نخستین روز کاری بعد از سیزدهم فروردین ماه، شاخص‌ها بیش از دو هزار واحد رشد کردند و شاخص کل از مرز ۶۷ هزار واحد عبور کرد. این یک شوک برای بازار سرمایه محسوب می‌شود. در پایان پاییز سال ۱۳۹۳ وقتی معلوم شد که توافق هسته‌ای به جایی نرسیده است و این کش و قوس باید چند ماهی دیگر ادامه یابد، بورس تهران آشکارا در مسیر نزولی قرار گرفت و حالا درست در نقطه عکس، تنها یک تفاهم سیاسی باعث شد تا بورس بعد از خمیازه چند روز تعطیلی، یک پرش خیره‌کننده دو هزار واحدی را به ثبت برساند

وی افزود: «سهامداران با مطالعه وارد بازار سرمایه شوند، چون بعضا توصیه می‌شود در شرایط رونق، هر سهمی که نصیب افراد شد خریداری کنند، درحالی‌که این استراتژی درستی نبوه و در بازاری که قیمت سهام شرکت‌ها بسیار کاهش یافته برخی از سهام شرکت‌ها با افت نکرده، قطعا سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها با شرکت‌هایی که با افت مواجه شده متفاوت است و امکان دارد سهامداران نتوانند در برخی سهام بازده کسب کنند، لذا سهامداران حتما با تحلیل اقدام به خرید و فروش کنند.»

مدیرعامل شرکت بورس ادامه داد: «وضع جدیدی که در بازار سرمایه ایجاد شده، اثرات مختلفی در سهام شرکت‌ها دارد، بنابراین سهامداران با توجه به اثرات رفع محدودیت‌ها روی صنایع مختلف اقدام به سرمایه‌گذاری کنند نه این‌که هر سهمی که نصیبشان شد خریداری کنند.»

شود، شرکت‌ها باید به دنبال طرح‌های توسعه‌ای و رشد و توسعه خود باشند.» وی در خصوص تمهیدات شرکت بورس برای نتیجه مذاکرات هسته‌ای گفت: «بازاری که در اختیار شرکت بورس قرار دارد، افزایش سهام شناور آزاد شرکت‌ها و عرضه‌های اولیه است، به طوری که شرکت‌هایی که سهام شناور آزاد پایینی دارند، باید سهام شناور خود را افزایش دهند.»

ذوق نکنیم

مدیرعامل شرکت بورس به خبرنگاران گفت: «درست نیست تصور کنیم در شرایطی که بورس رو به صعود دارد قیمت سهام تمام شرکت‌ها افزایش می‌یابد، چنین پدیده‌ای در هیچ بازار سرمایه‌ای وجود ندارد و سهامداران حتما باید با مطالعه اقدام کرده و صبر و حوصله داشته باشند.»

قالیباف افزود: «تأثیر واقعی این توافق بر متغیرهای شرکت‌ها

به بورس امیدوارم

«روح‌الله میرصانعی»، دبیر کل کانون کارگزاران بورس نیز بعد از رشد دو هزار واحدی شاخص‌ها به شهروند گفت: «سال ۹۳، سال خوبی برای بازار سهام نبود، ضمن این‌که به‌طور کلی هم فضای نه‌چندان امیدوارکننده‌ای بر این بازار حکومت می‌کرد.»

او ادامه داد: «خبرهای بد در این سال تأثیر منفی بر اقتصاد ایران داشت. مهم‌ترین این خبرها هم کاهش شدید قیمت نفت بود، که باعث شد بودجه عمرانی کاهش یابد و این روند احتمالا امسال هم ادامه خواهد داشت. به این ترتیب با کاهش بودجه عمرانی و کاهش و توقف پروژه‌ها، رکود حاکم بر بازارها تشدید شد. بازار سهام هم از این قاعده مستثنی نبود. یعنی به واسطه تأثیرپذیری شرکت‌های بورسی از افت قیمت نفت و کاهش بودجه عمرانی، بازار سهام هم سالی سخت را پشت سر گذاشت.»

میرصانعی افزود: «این درحالی بود که مذاکرات هم تمدید شد و به نتیجه‌ای قطعی نرسید و این به معنای تداوم فضای ابهام بود،



که امکان سرمایه‌گذاری مطمئن را عملاً کاهش می‌داد.» دبیر کل کانون کارگزاران بورس با وجود همه اتفاقات تلخ سال گذشته امیدوار است که با تدابیر دولت و به نتیجه رسیدن مذاکرات، بالاخره گره از بخت بورس باز شود و رخوت جای خود را به رونق بدهد. او در خصوص پیش‌شرط‌های دستیابی به این رونق تصریح کرد: «قطعا یکی از متغیرهای اثرگذار بر بورس تهران در سال جاری، به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و لغو یا کاهش تحریم‌هاست. عامل دیگر هم تحقق وعده کاهش نرخ سود بانکی است. به عبارت دیگر امید می‌رود که با کاهش نرخ سود، بخش بزرگ‌تری از نقدینگی به سوی تالار تسهیلات با نرخ سود پایین، حال و روز بهتری پیدا کند و اثر این بهبود به بازار سهام هم برسد. میرصانعی با اشاره به اثرگذاری عرضه‌های بورسی در رونق بازار تأکید کرد: هر اقتصاددانی تأیید می‌کند که نرخ سود بانکی باید متناسب با نرخ تورم تعیین شود. با این تفاسیر کاملا منطقی است که این نرخ در سال آینده کاهش یابد، البته در این میان باید

بانک‌ها هم رقابت منفی در تعیین نرخ سود بالاتر را متوقف کنند.» دبیر کل کانون کارگزاران بورس با تأکید بر این‌که بازار سهام بیشتر متأثر از عوامل خارج از بورس است، تأکید کرد: «بازار سهام در حقیقت منعکس‌کننده حال و روز اقتصاد ایران است. بنابراین انتظار می‌رود در صورت پرهیز از اتخاذ تصمیمات خلق‌الساعه و پرهیز در داخل و نیز به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای، اقتصاد ایران روی مدار رونق قرار بگیرد، که در این صورت بورس دوباره انعکاس‌دهنده واقعیت‌های اقتصادی کشور خواهد بود.»

پیروزی در مذاکرات مثل یک عامل تقویتی است، که می‌تواند حرکت ما را در جهت بهبود پتانسیل‌های بازار سرمایه تقویت کند. منتهی باید این حرکت وجود داشته باشد. اگر قدرت مورد نیاز و واقعی بازار سرمایه را برای ایفای نقش در توسعه به این بازار ندهیم، مذاکرات کاری از دستش برنمی‌آید. فراموش نکنیم که اقتصاد ایران بیش از هر بازاری به بازار سرمایه نیاز دارد. برای همین حالا که فضای دیپلماسی نیز به سمت مثبت شدن می‌رود، باید ثانیه‌ها را هم منتظم شمرد تا بازار سرمایه محور توسعه و تأمین مالی اقتصاد شود

توسعه به بورس واقعی نیاز دارد

رشد دو هزار واحدی شاخص‌ها آن قدر تکان‌دهنده بود که تنها چند ساعت بعد از این اتفاق مدیران رسمی بورس را روبه‌روی خبرنگاران بنشانند. اما به نظر می‌رسد این هیجان تند بیش از آن‌که توانسته باشد موجب شادمانی تصمیم‌گیران بازار سرمایه شود، تا حد زیادی باعث شده تا آن‌ها نگران آینده بورس باشند؛ منتهی ظاهرا این نگرانی به‌وضوح نشان داده نمی‌شود. در سوی دیگر این ماجرا کارشناسان اقتصاد بر این باورند که هر اتفاقی برای مذاکرات بیفتد، مدیران اقتصادی باید بازار سرمایه را رها نکنند و با تمام توان سعی کنند تا زمینه ارتقای این بازار را فراهم سازند. مهدی، اقتصاددان و استاد دانشگاه بر این باور است که توسعه به یک بورس واقعی نیاز دارد و اگر بتوانیم کاری کنیم که بازار سرمایه در مقابل هر اتفاقی متحمل هزینه نشود، گامی بزرگ در جهت توسعه کشور برداشته‌ایم.

این استاد دانشگاه می‌گوید: «در سال گذشته بورس تهران نشان داد که به‌شدت چشم به مسائل خارج از بازار سرمایه دارد، به عبارتی بورس تهران آماده است تا در برابر هر کنشی در بیرون از حیطه خود یک واکنش داشته باشد. البته در همه جای دنیا هم این‌گونه است. معمولا شاخص‌های اقتصادی و در راس آن‌ها بازار سرمایه تحت تأثیر اتفاقاتی مهم قرار می‌گیرد اما شک نکنید این تأثیر به گونه‌ای نیست که حیات بورس را در دایره خطر قرار دهد.»

تقوی ادامه می‌دهد: «در سال گذشته دیدیم که وقتی مذاکرات به جایی نرسید و درواقع زمستان با ناامیدی نسبت به نتیجه مذاکرات آغاز شد، بورس نیز شدیدترین واکنش‌های منفی را از خود نشان داد. اگر ما به گونه‌ای عمل کرده بودیم که نقش بورس یک نقش تعیین‌کننده در بین بازارهای مختلف باشد، این اتفاق بروز نمی‌یافت. یعنی بازار سرمایه

در یک روند طبیعی همراه اتفاق‌هایی نظیر مذاکرات می‌شد، نه این‌که چنین منفی و نازل شود که دود از سر شاخص‌ها به هوا برود.»

این استاد دانشگاه توضیح می‌دهد: «در سال جاری نیز همین مساله به گونه دیگری خود را نشان داد. مذاکرات در مرحله نخست به پیروزی رسید. این پیروزی، بُرد نهایی نیست. اگر قرار باشد برد نهایی صورت بگیرد، باید تا دهم تیرماه صبر کنیم. در لوزان فقط یک تفاهم سیاسی صورت گرفت. البته شک نکنیم که همین تفاهم سیاسی برگ برنده بزرگی برای ایران بود اما در مواجهه با بازار سرمایه به نظر من آن قدر پتانسیل نداشت که بتواند دو هزار واحد شاخص‌ها را صعودی کند.»

وی می‌گوید: «حرف من این است که نباید بورس تا این حد تحت تأثیر هیجان باشد. شاخص‌ها در بازار سرمایه تحت تأثیر هیجان بیشتر از حد واقعی سقوط می‌کنند و تحت تأثیر هیجان بیشتر از حد مطلوب صعود می‌کنند. من به مدیران بورسی حق می‌دهم که نگران باشند. شک نباید کرد که اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، دوباره صف‌های فروش یا به تعبیر بهتر صف‌های بزرگ ورشکستگی سهامداران به وجود می‌آیند، که اگر این هیجان نبود چنین صفی هم شکل نمی‌گرفت.» تقوی ادامه می‌دهد: «در سال جاری باید بدون توجه به مذاکرات در جهت تقویت بازار سرمایه حرکت کنیم. یعنی مسئولین نباید همه چیز را به مذاکرات پیوند بزنند و بر این باور باشند که مذاکرات می‌آید و بار بزرگی از روی دوش اقتصاد برمی‌دارد. تقویت و بازسازی توان بازار سرمایه در اقتصاد ایران باید یک برنامه اجرایی باشد. اگر این نگاه وجود نداشته باشد، در کوتاه‌مدت بازار سرمایه بعد از پیروزی در مذاکرات شادمان است و بعد در میان مدت و بلندمدت دوباره وضع به شکل سابق برمی‌گردد.»

این استاد دانشگاه یادآور می‌شود: «پیروزی در مذاکرات مثل یک عامل تقویتی است، که می‌تواند حرکت ما را در جهت بهبود پتانسیل‌های بازار سرمایه تقویت کند. منتهی باید این حرکت وجود داشته باشد. اگر قدرت مورد نیاز و واقعی بازار سرمایه را برای ایفای نقش در توسعه به این بازار ندهیم، مذاکرات کاری از دستش برنمی‌آید. فراموش نکنیم که اقتصاد ایران بیش از هر بازاری به بازار سرمایه نیاز دارد. برای همین حالا که فضای دیپلماسی نیز به سمت مثبت شدن می‌رود، باید ثانیه‌ها را هم مغتنم شمرد تا بازار سرمایه محور توسعه و تأمین مالی اقتصاد شود.»

مجال برای اشتباه نیست

به نظر می‌رسد تفاهم سیاسی لوزان تا حد زیادی شاخص‌ها را هیجان‌زده کرده. البته اگر خیلی از عینک تحلیل‌های اقتصادی استفاده نکنیم، می‌توان به این فکر کرد که شاخص‌ها حق دارند. در چند سال گذشته آن قدر اقتصاد ایران روزهای ناخوشایندی داشته است که حالا همه در انتظار این هستند تا چیزی شبیه پیروزی در مذاکرات هسته‌ای از راه برسد و نیرویی به توسعه ایرانی بدهد، که همه نامرادی‌های اقتصادی در سال‌های گذشته به یک‌باره فراموش شود. اما آیا این اتفاق رخ می‌دهد؟ ظاهرا کارشناسان اقتصادی بر این باورند که پیروزی در مذاکرات فقط مسیر رسیدن به چنین خواسته‌ای را تا حد زیادی هموارتر و مطلوب‌تر می‌سازد اما نمی‌تواند به فوریت پازل به هم ریخته اقتصاد را تکمیل و سفید کند. به‌طور حتم مدیران اقتصادی باید خود را آماده سازند. مذاکرات هسته‌ای اگر به نتیجه نهایی برسد، دیگر مجال برای اشتباهات مدیریتی وجود ندارد. در سال‌های گذشته به اندازه کافی توسعه در ایران هزینه داده است. بعد از توافق فقط باید درست و با اندیشه‌ای توسعه‌مند حرکت کرد و بازار سرمایه بهترین پیشاهنگ برای این اتفاق است.

غول های اقتصادی برای ورود به ایران آماده شده اند

بازار ایران، مقصدی تازه برای شرکت های جهانی

علی ماندگار



سال ها می شد که نام ایران چنین تکانه ای را در دنیای اقتصادی ایجاد نکرده بود اما این روزها تمام نشریه های اقتصادی و تحلیلی معتبر در دنیای توسعه یافته به گونه ای از ایران سخن می گویند که انگار یک جزیره ناشناخته کشف کرده اند، که بهترین مکان برای سرمایه گذاری و توسعه تجارت محسوب می شود. البته آن ها به خود حق می دهند که این گونه با جغرافیایی به نام ایران حق بدهند، چون سال های درازی است که به خاطر حاشیه نشینی ایران در جریان تبادل سرمایه های جهانی، آن ها دائم در کشورهای حاشیه خلیج همیشه فارس چرخ زده اند و امروز به نظر می رسد موقعیتی کاملاً متفاوت برای گریز از روزمرگی های اقتصادی میان کشورهای عربی یافته اند. ایران بازاری ۸۰ میلیون نفری محسوب می شود، که بیش از ۱۰ درصد ذخایر تثبیت شده نفت و گاز را میان خود جای داده است. فارغ از این در ایران می توان چهار فصل سال را حتی در اوج خشکسالی نیز تجربه کرد؛ چیزی که گرمای کشنده کشورهای حوزه خلیج فارس از آن بی بهره است. ایران به اعتراف بسیاری از نشریات اقتصادی آن سوی دنیا، می تواند بهشت سرمایه گذاری باشد اما به دلایل بسیار زیادی در سال های گذشته، سرمایه داران جهانی ترجیح دادند جهنم سوزان شیخ نشین ها را برای کوچاندن سرمایه های خود به جای بهشت ایران برگزینند. حالا بازی تغییر کرده است. اگر ۶ کشور قدرتمند جهان بتوانند مسیر ایران را برای بازگشت به تبادل جهانی سرمایه باز کنند، حتماً بسیاری از همین سرمایه داران غربی ترجیح می دهند تا در بازار بکر ۸۰ میلیون نفری ایران حضور پیدا کنند. این شوقی است که از همین حالا و حتی قبل از توافق نهایی می توان میان شرکت های صاحب نام جهانی به وضوح مشاهده کرد. حتی بسیار قبل تر از تفاهم مقدماتی، شرکت های بزرگ مخصوصاً در اروپا به دنبال موقعیتی بودند تا خود را به ایران وصل کنند. در فوریه ۲۰۱۴ و در اوج تحریم ها و ناامیدی های زیادی که نسبت به آینده تحریم ها وجود داشت، بیش از ۱۰۰ شرکت فرانسوی از جمله گروه آلستوم، شرکت مخابراتی اورانج و خودروساز رنو به تهران سفر کردند، که بزرگترین هیئت تجاری دیدارکننده از ایران پس از انقلاب اسلامی بود. هیئت های تجاری از کانادا، اروپا و آمریکا نیز به تهران سفر کرده اند. شرکت هایی مانند غول نفتی فرانسوی توتال و غول فولادی

در جهان است، که ممکن است یک شبه قابل دسترس شود.»

او همچنین ایران را با ترکیه در سال ۲۰۰۴ مقایسه کرد، که در آستانه تحول بزرگ بود و تقریباً یک دهه رشد اقتصادی قوی را تجربه کرد.

منظور او از بازار بسته کاملاً برای سرمایه داران جهانی مشخص است. آن ها بازارهای بسته را به خاطر پتانسیل هایی که برای جبهش های بزرگ تجاری دارد، مثل عقاب شکار می کنند و اکنون زمان زیادی است که برای پرواز روی سر ایران کمین کرده اند. به نظر می رسد تنها بدشانسی ایران مدیریت نامناسب اقتصادی طی ۹ سال گذشته است. در فوریه گذشته، مدیران اقتصادی فرانسه که مهمان ایران بودند، می گفتند که اگر این مدیریت نامناسب اقتصادی نبود آن ها تا حالا حتماً تعدادی از کارخانه های خود را نیز به ایران منتقل کرده بودند. تفاهم اولیه هسته ای در لوزان، این پیام را داشت که همه از اهالی اقتصاد در ایران تا سرمایه داران جهانی سال های بد مدیریت در اقتصاد ایران را فراموش کرده اند و به گونه ای رفتار می کنند که انگار به تازگی همه چیز در ایران در حال نو شدن است. این اتفاق بدون شک می تواند ماجرای تامین مالی رشد اقتصادی در ایران را برای یک رشد ۸ درصدی در کمترین زمان فراهم سازد. بلومبرگ می نویسد: «ایران بیش از ۷۶ میلیون نفر جمعیت دارد، که تقریباً برابر با جمعیت ترکیه است و طبق

آرسلورمیتال که زمانی در ایران فعالیت داشتند، آشکارا برای بازگشت به ایران از بیش از یک سال قبل ابراز تمایل می کنند. در فوریه سال گذشته و در همان دیدار باشکوه مقام های اقتصادی با ۱۰۰ شرکت فرانسوی، چارلز ابرتسون، رئیس اقتصاددان

حتی بسیار قبل تر از تفاهم مقدماتی، شرکت های بزرگ مخصوصاً در اروپا به دنبال موقعیتی بودند تا خود را به ایران وصل کنند. در فوریه ۲۰۱۴، بیش از ۱۰۰ شرکت فرانسوی از جمله گروه آلستوم، شرکت مخابراتی اورانج و خودروساز رنو به تهران سفر کردند، که بزرگترین هیئت تجاری دیدارکننده از ایران پس از انقلاب اسلامی بود

شرکت سرمایه گذاری انگلیسی «رنسانس کپیتال» گفت: «ایران که یکی از بزرگترین بازارهای بسته جهان است، ممکن است پس از سال ها انزوا در آستانه گشوده شدن باشد. این آخرین فرصت بزرگ



گزارش سازمان تولیدکنندگان خودروی موتوری، در سال ۲۰۱۱ دو برابر ترکیه خودرو تولید کرده است. براساس اعلام انجمن جهانی فولاد، مصرف سالانه فولاد ایران بیشتر از انگلیس یا فرانسه است. بورس تهران سرمایه‌ای بالغ بر ۱۳۵ میلیارد دلار دارد که سه برابر ارزش بازار سهام در ویتنام با جمعیت ۸۹ میلیون نفر است. در حالی که بازارهای تحت تحریمی مانند میانمار و لیبی فاقد بازارهای مالی توسعه یافته و زیرساخت فیزیکی بودند اما ایران هر دوی آن‌ها را دارد، که بزرگی فرصت موجود را نشان می‌دهد. در ادامه گزارش بلومبرگ آمده است: «مقامات ایرانی سال گذشته اعلام کرده‌اند برای ارتقای ناوگان هواپیمایی به دنبال خرید ۴۰۰ هواپیمای مسافری از جمله هواپیماهای منطقه‌ای و توربوپراپ در ۱۰ سال آینده هستند.

از سوی دیگر طرح‌هایی برای هزینه ۱۰ میلیارد دلار به منظور بهبود سیستم حمل و نقل عمومی پایتخت در پنج سال آینده رونمایی شده است، که شامل خرید ۲۳۰۰ واگن ریلی مترو است، که بمباردیه نیز تولید می‌کند. همه این‌ها نشان از وجود بازار تشنه برای حرکت است.»

این موارد مربوط به گزارش بلومبرگ در سال گذشته یا زمانی است که بزرگ‌ترین هیئت اقتصادی اروپا بعد از انقلاب به ایران آمده بود. در آن زمان هنوز هیچ نشانه‌ای از رفع تحریم‌ها نبود که شرکت‌های غربی این‌گونه برای حضور در ایران روی دست یکدیگر می‌زدند ولی حالا که امید برای لغو تحریم‌ها بیش از هر زمان دیگری زنده و واقعی است، تاجران غربی نیز با شدت بیشتری در آستانه ورود به ایران ایستاده‌اند. چند ماه بعد از سفر هیئت اروپایی به تهران و بعد از تفاهم اولیه هسته‌ای، یعنی همین چند روز پیش، بلومبرگ در گزارشی نوشت که بالاخره روز موعود برای بازرگانان غربی فرا رسیده است. به عبارتی بلومبرگ آماده‌باشی ویژه را برای ورود به ایران اعلام کرد. نشریه اقتصادی «فورچون» به عنوان مهم‌ترین رسانه اقتصادی برای بازرگانان

بازمی‌گردد. این نشریه در مصاحبه با تحلیل‌گران غربی، حتی این وعده را به سرمایه‌گذاران آمریکایی داد که موقعیتی تازه برای کسب‌وکار به وجود می‌آید، که می‌تواند نقطه اشباع بازارهای خلیج فارس را بشکند. «مهردادعمادی»، اقتصاددان ایرانی‌الاصل در موسسه مشاوره «بناماتریکس» لندن، یکی از مصاحبه‌شونده‌های فورچون است. او به این نشریه گفت: «هیچ دور از ذهن نیست که به دلیل اوج گرفتن تجارت با ایران، این کشور بتواند رکورد ببرهای آسیا در دوران رشدهای پر شکوه اقتصاد در این منطقه را پشت سر بگذارد. به خاطر همین شدت گرفت جریان بازرگانی، تجارت ایران با اتحادیه اروپا که در سال گذشته بالغ بر ۷۶ میلیارد یورو بود، به احتمال زیاد تا اواسط سال ۲۰۱۸ میلادی ۴۰۰ درصد رشد می‌کند.»

این خوش‌بینی هیچ معنایی ندارد، جز این که فعالان اقتصادی در کشورهای غربی ایران را به نوعی قطب جدید ورود و خروج سرمایه دیده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت که با این حساب همه منتظرند تا فردای دهم تیر ماه سوت پایان مذاکرات و آغاز توافق نهایی به صدا در بیاید، آن وقت دور از ذهن نخواهد بود بسیاری از بزرگان اقتصادی غرب، جغرافیای بی‌روح کشورهای عربی را رها کنند و به طبیعت چهار فصل ایران کوچ کنند، که این روزها پتانسیل بزرگی برای آغاز فعالیت‌های مولد اقتصادی دارد. در سال‌های گذشته ظرفیت صنعت در ایران بیش از ۴۰ درصد عقب‌نشینی کرده است، در حالی که به باور صاحب‌نظران اقتصادی، عوامل تولید در ایران به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که می‌توانند بهترین فضا را برای برپایی دوباره صنعت به وجود آورند. مطابق آمارهایی که از سوی مقامات وزارت صنعت، معدن و تجارت در دولت یازدهم ارائه شده است، بالغ بر ۳۲ هزار واحد صنعتی در شهرک‌های صنعتی مستقر هستند و حدود ۵ هزار واحد فعالیت خود را متوقف کرده‌اند، که حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد از واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی را شامل می‌شود و تقریباً دو برابر این واحدهای تعطیل شده، واحدهایی هستند که

آمریکایی، حتی از بلومبرگ سبقت گرفت. او دو روز بعد از تفاهم لوزان، در گزارش اصلی خود نوشت، که پس از خروج کشورهای اروپای شرقی از کمونیسیم در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، ایران بزرگ‌ترین کشوری است که دوباره به فضای تجارت بین‌المللی

فعالان اقتصادی در کشورهای غربی ایران را به نوعی قطب جدید ورود و خروج سرمایه دیده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت که با این حساب همه منتظرند تا فردای دهم تیر ماه سوت پایان مذاکرات و آغاز توافق نهایی به صدا در بیاید، آن وقت دور از ذهن نخواهد بود بسیاری از بزرگان اقتصادی غرب، جغرافیای بی‌روح کشورهای عربی را رها کنند و به طبیعت چهار فصل ایران کوچ کنند





کمتر از نیمی از ظرفیت آن‌ها به کار گرفته می‌شود. غم‌انگیزتر این‌که در کشور ما شهرک‌های صنعتی‌ای تأسیس شده‌اند که پس از گذشت چندین سال، هنوز برق یا آب ندارند و ۸ هزار واحد صنعتی در شهرک‌های صنعتی داریم که بیش از ۵۰ درصد پیشرفت کاری داشته‌اند ولی دچار مشکل شده‌اند. هرچند این گره‌ها ناخوشایند هستند اما نشان می‌دهند که زمینه‌ای پررنگ برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در ایران وجود دارد. یعنی چیزی که می‌تواند با ایجاد اقتصاد مولد یک‌بار برای همیشه توسعه را از گردونه نفت نجات دهد. «رامین ربیعی» یکی از سرمایه‌گذاران ایرانی صاحب‌نام در این باره به نشریه فورچون می‌گوید: «صنعت ایران در حال حاضر با ۶۰ تا ۷۰ درصد از ظرفیت خود فعالیت می‌کند، که با لغو تحریم‌ها این ظرفیت بیشتر خواهد شد. به عبارتی افقی از سرمایه‌گذاری‌های صنعتی باز می‌شود که به نوبه خود در منطقه بی‌نظیر است.»

البته به نظر می‌رسد در کورسی که برای حضور در اقتصاد ایران به وجود آمده است، اروپایی‌ها در جایی ایستاده‌اند که بعد از توافق نهایی و لغو همه تحریم‌ها، برنده این کورس باشند. بلومبرگ نیز دوباره چند روز پیش در گزارشی نوشته بود که اروپایی‌ها زودتر از همه به بازار ایران می‌رسند، چون آن‌ها حداقل از یک سال قبل قوای اقتصادی خود را راهی ایران کرده‌اند. به نظر می‌رسد باید حق را به تحلیل‌گران بلومبرگ داد. سال گذشته که هیئت بزرگ تجاری اروپا به ایران آمد، می‌شد حدس زد که آن‌ها حساب ویژه‌ای روی ایران باز کرده‌اند. چیزی که به تازگی «وال استریت ژورنال» نیز از آن سخن گفته است. کارشناسان این نشریه می‌نویسند، که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و صنعتی در ایران باید آماده باشند تا با اروپایی‌ها پشت میز مذاکره اقتصادی بنشینند و منافع زیادی را برای اقتصاد ایران لقمه بگیرند. «وال استریت ژورنال» حتی از یک اتحاد اروپایی برای رسیدن به ایران خبر می‌دهد. بر اساس ادعای این رسانه، آلمان، فرانسه و انگلیس با یکدیگر متحد شده‌اند تا اتحاد تجاری ایران و اروپا را تشکیل بدهند، که این اتحاد تلاشی برای تسهیل کسب‌وکار با ایران است. به نظر می‌رسد البته در این اتحاد،

در صنعت نفت نیز گفته می‌شود ایران مشغول مذاکرات با شرکت‌های بزرگی مانند بی‌پی، شل، توتال، انی و استات‌اویل است. هرکدام از این شرکت‌ها در بخشی خاص تخصص دارند و ایران بازاری بزرگ برای آنان محسوب می‌شود. بدون شک نقطه عطف فعالیت اقتصاد در ایران حضور در مبادین نفتی است. به عبارتی شرکت‌هایی که می‌توانند خود را به حوزه‌های نفتی ایران برسانند، درواقع بهترین قراردادهای را با ایران امضا کرده‌اند

در ۲۰۱۳ این رقم نصف شده و به ۱۸ میلیارد یورو رسید. در هر حال آلمان درباره آینده تجارت با ایران خوش‌بین است. اتاق ایران و آلمان معتقد است پس از لغو تحریم‌ها، صادرات آلمان به ایران دوباره به سالانه ۱۰ میلیارد یورو خواهد رسید. فورچون نیز می‌نویسد، شرکت‌های صنعتی بزرگ مانند «زیمنس»، که قابلیت ساخت هر چیزی از تجهیزات پزشکی گرفته تا واگن قطار را دارند، در این میان پیشرو هستند. پس از آن خودروسازانی مانند «فولکس واگن» و «بنز» نیز مشتاق همکاری با ایران هستند. غول داروسازی این کشور، یعنی شرکت «بایر» و شرکت تولید برق E.On نیز آماده ورود به بازار ایران هستند. از سوی دیگر فرانسوی‌ها نیز مدت‌هاست که در تهران مستقر شده‌اند و مشغول ریزنی هستند. اعضای اتاق بازرگانی ایران و فرانسه همه شرکت‌های صنعتی بزرگ فرانسوی مانند آلتوم، CGG، فاروسیا، لگران، رنو و اشنایدر هستند. پژو نیز قرارداد جدیدی با شرکت ایران خودرو امضا کرده تا به صورت مشارکتی در این کشور خودرو بسازد و به این ترتیب به رقیب خود یعنی رنو پیوسته که مدتی است در ایران، خودرو می‌سازد. در صنعت نفت نیز آن‌طور که رسانه شهروند می‌نویسد، گفته می‌شود ایران مشغول مذاکرات با شرکت‌های بزرگی مانند بی‌پی، شل، توتال، انی و استات‌اویل است. هرکدام از این شرکت‌ها در بخشی خاص تخصص دارند و ایران بازاری بزرگ برای آنان محسوب می‌شود. بدون شک نقطه عطف فعالیت اقتصاد در ایران حضور در مبادین نفتی است. به عبارتی شرکت‌هایی که می‌توانند خود را به حوزه‌های نفتی ایران برسانند، درواقع بهترین قراردادهای را با ایران امضا کرده‌اند. بدون شک جغرافیای اقتصادی ایران دگرگونی خود را آغاز کرده است. قطار شرکت‌های بزرگ اقتصادی در جهان راه افتاده و به سمت ایران حرکت می‌کنند. این شرایط بهترین زمان برای بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و مولد اقتصاد ایران است، که بتوانند در دایره سرمایه‌هایی که به ایران می‌آیند، توشه‌ای بزرگ برای اقتصاد ملی جمع کنند. این یک هشدار سفید است؛ برای ارتقای توسعه ایرانی آماده شوید.

آلمان گوی رقابت را از انگلیس و فرانسه برباید. طبق آمار اتاق بازرگانی ایران و آلمان تاکنون ۱۰۰ شرکت آلمانی در ایران شعبه دارند و هزار کسب‌وکار از طریق عاملان فروش آن‌ها فعالیت می‌کنند. قبل از تحریم‌ها آلمان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در اتحادیه اروپا بود. در سال ۲۰۱۰ آلمان حدود ۳۸ میلیارد یورو کالا و خدمات به ایران صادر کرد اما



بهای طلای سیاه، جهان را هشت قسمت می کند

برندگان و بازندگان کاهش قیمت نفت



نفت اقتصاد جهانی را رها نمی کند و شاید بیراه نباشد اگر بگوییم که طلای سیاه کابوسی برای شاخص های اقتصادی محسوب می شوند، چون هرگاه نفت موجب شادمانی کشوری بوده است، درست به همان موازات در گوشه های دیگر از دنیا زمینه تلخ کامی و گاهی مرگ اقتصادی دیگر را فراهم آورده است. برای همین می گویند نفت را نمی توان چیزی جز کابوس دانست. کاهش قیمت نفت یا افزایش قیمت نفت، فرقی نمی کند همواره هریک از این مولفه ها کشوری را شاد و کشور دیگر را گرفتار شکست کرده است. مجمع جهانی اقتصاد در تازه ترین گزارش خود، از همین منظر جهان را به هشت قسمت تقسیم کرده است. چهار قسمت کشورهایی هستند که کاهش بهای نفت آن ها را زمین گیر و چهار قسمت دیگر کشورهایی هستند که کاهش بهای نفت اقتصاد آن ها را شکوفا می کند. این مسئله در مورد افزایش بهای نفت نیز صدق می کند. افزایش بهای نفت همیشه گروهی از کشورها را تضعیف و گروهی دیگر را تقویت می کند. گزارش زیر تنها یک برش از این ماجرا است.

بازندگان:

۱. کشورهای صادرکننده نفت و گاز: تاثیرات کاهش قیمت نفت، از طریق ارزش دلار در مقابل ارز مهم ترین و عمده ترین کشورهای صادرکنندگان نفت و گاز کمتر می شوند اما با این حال، کشورهایی که عمدتاً به درآمدهای نفت و گاز وابسته هستند و برای روز مبادای خود اندیشه نکرده اند، با مشکل مواجه خواهند شد و می بایست در شیوه کار خود تجدید نظر کرده و اقتصاد خود را تفکیک کنند. پایین بودن قیمت نفت برای یک مدت طولانی، خطر شکست کشورها به همراه عواقب غیرقابل پیش بینی برای آن ها را به همراه دارد.
۲. شرکت های نفت و گازی که درگیر بازپرداخت وام خود هستند: با توجه به کاهش میزان هزینه سرمایه ای که در شرکت های نفت و گاز صرف شده است، بخش خدمات نفتی با تحولاتی روبه رو می شود.
۳. تولیدکنندگان خودروی برقی: درحالی که روند میان مدت به سوی برقی شدن حمل و نقل جاده ای باید ادامه پیدا کند، اما سوخت ارزان تر برای رانندگان موجب می شود که احتمالاً به کارگیری وسایل نقلیه برقی در کوتاه مدت کاهش یابد و به همین دلیلی که بیان شد، کاهش قیمت نفت و گاز برای سوخت های جایگزینی چون سوخت زیستی نیز همین تبعات را به همراه دارد.
۴. ذغال سنگ: در اروپا و آسیا، قیمت گاز از طریق

۲. مواد شیمیایی، هوانوردی و کشتیرانی: تاثیر کاهش قیمت نفت ممکن است در بسیاری از بخش ها احساس شود اما این سه بخش بیش از بخش های دیگر از تغذیه و سوخت ارزان تر سود می برند.

۳. شرکت های نفت و گاز با ترازنامه های قدرتمند: درحالی که بسیاری از رقبای این شرکت ها با مشکل مواجه هستند، احتمالاً فرصت هایی برای ادغام و ترکیب وجود دارد.

۴. تعدیل کنندگان انرژی: کاهش قیمت نفت و گاز یک فرصت منحصربه فرد را برای اقتصادهایی به وجود می آورد که به سوخت های فسیلی یارانه تعلق دهند، تا یارانه مربوط به نفت و گاز را کاهش دهند یا آن را حذف کنند. این مسئله در کشورهایی که به اصلاح بخش انرژی متعهد هستند، از جمله اندونزی، مکزیک و تایلند، قبل از کاهش قیمت نفت و گاز صورت گرفته است.

به طور قطع، همیشه این احتمال وجود دارد که قیمت های نفت و گاز مجدداً افزایش یابد، که این مسئله فشارهای زیادی را به وجود می آورد تا چنین اصلاحاتی مجدداً از مسیر اصلی خارج شود. تعدیل کنندگان انرژی می بایست برای چنین احتمالی برنامه ریزی کنند و پول ذخیره شده از یارانه ها را در بخش اصلاحات اجتماعی و اقتصادی سرمایه گذاری کنند تا به ملت خود سود برسانند، که در این صورت کاهش قیمت نفت ممکن است به پدید آمدن یک ترکیب انرژی متعادل تر منجر شود.

منبع: مجمع جهانی اقتصاد

قراردادهای بلندمدت با نفت شاخص گذاری می شود، بنابراین کاهش قیمت نفت به کاهش قیمت گاز منتهی می شود و این ممکن است تاثیرات منفی بر بخش انرژی تجدیدپذیر نگذارد و ممکن است تاثیرات منفی بر این بخش داشته باشد اما جای امیدواری است که تاثیر اصلی یک قدم دورتر از تولید برق با سوخت ذغال سنگ است؛ همان طور که در آمریکا رخ می دهد. در بحث های مربوط به چگونگی اصلاح نظام انرژی به بهترین نحو به شیوه ای که کربن زدایی را با دسترسی ایمن و حمایت از رشد اقتصادی متوازن کند، نقش گاز به عنوان یک سوخت پاک تر از ذغال سنگ و ارزان تر از سوخت های قابل تجدید، به طرز گسترده ای کلیدی به حساب می آید.

برندگان:

۱. کشورهای واردکننده نفت و گاز: کاهش قیمت نفت، باعث تقویت رشد اقتصادی در چین و هند است. این دو کشور نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند و موتورهای اصلی اقتصاد جهانی هستند. کاهش قیمت نفت همچنین قوت قلبی برای اقتصادهای ضعیف منطقه یورو است. اکثر تحلیل گران نیز انتظار دارند که اقتصاد آمریکا با وجود تاثیرات منفی ای که کاهش قیمت نفت بر بخش روبه رشد نفت شیل دارد، باز هم از پایین آمدن قیمت نفت نفع می برد. مسئله کلیدی این است که تا چه زمانی قیمت نفت حدود ۶۰ دلار باقی بماند، این رقم میزانی است که حدود نیمی از شیل این کشور سودآور باقی می ماند.

آمارهای اقتصادی در مورد سال ۹۳ چه می‌گویند

شاخص‌ها پا گرفته‌اند؛ سرمایه‌گذاران آماده باشند

ارقام به میلیارد تومان

سال	تولید ناخالص با احتساب نفت	تولید ناخالص داخلی بدون نفت	درصد رشد تولید ناخالص داخلی با نفت	درصد رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت
۱۳۵۴	۲۰۶.۱۱۴	۱۳۴.۲۲۹	۴.۸	۱۶.۶
۱۳۵۵	۲۴۲.۳۲۶	۱۶۰.۸۸۵	۱۷.۶	۱۹.۹
۱۳۵۶	۲۳۶.۶۴۵	۱۶۱.۷۷۸	۲.۳-	۰.۶
۱۳۵۷	۲۱۹.۱۹۱	۱۶۶.۰۲۲	۷.۴-	۲.۶
۱۳۵۸	۲۰۹.۹۱۹	۱۶۸.۶۲۲	۴.۲-	۱.۶-
۱۳۵۹	۱۷۸.۱۴۹	۱۶۴.۶۵۲	۱۵.۱-	۲.۴-
۱۳۶۰	۱۷۰.۲۸۱	۱۵۵.۸۴۹	۴.۴-	۵.۳-
۱۳۶۱	۱۹۱.۶۶۷	۱۵۸.۷۴۰	۱۲.۶	۱.۹-
۱۳۶۲	۲۱۲.۸۷۷	۱۷۹.۲۸۹	۱۱.۱	۱۲.۹
۱۳۶۳	۲۰۸.۵۱۶	۱۸۱.۸۲۹	۲-	۱.۴-
۱۳۶۴	۲۱۲.۶۸۶	۱۸۵.۵۲۲	۲	۲
۱۳۶۵	۱۹۳.۲۳۵	۱۶۹.۸۰۴	۹.۱-	۸.۵-
۱۳۶۶	۱۹۱.۳۱۲	۱۶۴.۴۹۷	۱-	۳.۱-
۱۳۶۷	۱۸۰.۸۲۳	۱۵۱.۶۵۷	۵.۵-	۷.۸-
۱۳۶۸	۱۹۱.۵۰۳	۱۶۰.۲۵۵	۵.۹	۵.۷
۱۳۶۹	۲۱۸.۵۳۹	۱۸۱.۱۷۱	۱۴.۱	۱۳.۱
۱۳۷۰	۲۴۵.۰۳۶	۲۰۲.۴۲۶	۱۲.۱	۱۱.۷
۱۳۷۱	۲۵۴.۸۲۲	۲۱۲.۲۰۰	۴	۴.۸
۱۳۷۲	۲۵۸.۶۰۱	۲۱۳.۸۴۴	۱.۵	۰.۸
۱۳۷۳	۲۵۹.۸۷۶	۲۱۷.۷۶۰	۰.۵	۱.۸
۱۳۷۴	۲۶۷.۵۳۴	۲۲۴.۸۰۵	۲.۹	۳.۲
۱۳۷۵	۲۸۳.۸۰۷	۲۴۰.۷۶۲	۶.۱	۷.۱
۱۳۷۶	۲۹۱.۷۶۹	۲۵۱.۰۰۵	۲.۸	۴.۳
۱۳۷۷	۳۰۰.۱۴۰	۲۵۸.۴۰۴	۲.۹	۲.۹
۱۳۷۸	۳۰۴.۹۴۱	۲۶۵.۴۲۶	۱.۶	۲.۷
۱۳۷۹	۳۲۰.۰۶۹	۲۷۷.۲۷۴	۵	۴.۵
۱۳۸۰	۳۳۰.۵۶۵	۲۹۲.۵۱۱	۳.۳	۵.۵
۱۳۸۱	۳۵۷.۶۷۱	۳۱۸.۲۰۷	۸.۲	۸.۸
۱۳۸۲	۳۸۵.۶۳۰	۳۴۰.۰۵۱	۷.۸	۶.۹
۱۳۸۳	۴۱۰.۴۲۹	۳۶۳.۰۲۳	۶.۴	۶.۸
۱۳۸۴	۴۳۸.۹۰۰	۳۹۱.۳۵۶	۶.۹	۷.۸
۱۳۸۵	۴۶۷.۹۳۰	۴۱۸.۶۸۱	۶.۶	۷
۱۳۸۶	۴۹۱.۰۹۹	۴۴۱.۲۳۱	۵	۵.۴
۱۳۸۷	۴۹۵.۲۶۶	۴۴۶.۳۸۶	۰.۸	۱.۲
۱۳۸۸	۵۰۹.۸۹۵	۴۶۲.۹۲۶	۳	۳.۷
۱۳۸۹	۵۴۲.۱۷۲	۴۹۱.۳۴۷	۵.۸	۶.۱
۱۳۹۰	۵۵۵.۴۳۶	۵۰۶.۹۳۵	۳	۳.۲
۱۳۹۱	۵۲۲.۹۵۷	۴۹۰.۹۹۵	۵.۸-	۳.۱-
۱۳۹۲	—	—	۲.۲-	۱.۹-

سال ۱۳۹۳ هرچند پستی و بلندی‌های زیادی برای اقتصاد کشور داشت اما می‌تواند به عنوان سال گذار برای اقتصاد ایران نیز مطرح باشد. در سال ۹۳ دولت یک سال مالی کامل را در اختیار داشت و هنوز حجم بزرگی از معضلات اقتصادی که از سال‌های قبل به یادگار مانده بود، روی دوش دولت سنگینی می‌کرد اما با این وجود مسئولین اقتصادی دولت توانستند در پایان سال سالنمایی از یک اقتصاد نسبتاً آرام و رو به رشدی را به نمایش بگذارند. از سوی دیگر دولت موفق شد در سال ۹۳ بعد از چند سال که در دولت‌های نهم و دهم مد شده بود بودجهٔ سالیانه چند ماه دیر به مجلس برسد، بودجهٔ سال ۹۴ را سر وقت در اختیار نمایندگان مجلس قرار دهد. به هر حال چند روز پیش گزارش عملکرد اقتصادی دولت در سال ۹۳ منتشر شد. به نظر می‌رسد آمار و ارقام این گزارش در همین روزهای ابتدایی سال جاری، می‌تواند دستمایهٔ خوبی برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی باشد، که بدانند در چه اقتصادی قرار است به فعالیت مشغول باشند. مسئولین دولتی معتقدند که سال ۹۳ با نرخ رشد اقتصادی ۲.۸ درصدی به پایان خود نزدیک شده است. جالب است بدانیم که دولت یازدهم اقتصاد کشور را بعد از چند سال استفاده از درآمدهای شیرین نفتی، با منفی نزدیک به ۶ درصد به دولت یازدهم واگذار کرد.

براساس تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی، رشد اقتصادی سه ماههٔ سوم ۹۳ هم بدون نفت ۲.۵ درصد بوده است. براساس این گزارش عملکرد سه ماههٔ سوم ۹۳ (به قیمت تجاری) بیانگر آن است که تولید ناخالص داخلی ۲۶۳۲۴۳۸ میلیارد ریال، تشکیل سرمایهٔ ثابت ناخالص ۸۰۴۰۶۲ میلیارد ریال، هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی ۱۴۲۷۲۱۱ میلیارد ریال و هزینه‌های مصرفی بخش دولتی ۲۶۶۵۷۷ میلیارد ریال ثبت شده است. این در حالی است که بانک مرکزی پیش‌تر اعلام کرده بود، براساس محاسبات مقدماتی و اولیهٔ تولید ناخالص داخلی در ۹ ماههٔ سال ۱۳۹۳ به ۱۵۱۸۸۶۱ میلیارد ریال می‌رسد، که نسبت به رقم مشابه ۹ ماههٔ سال ۱۳۹۲، ۳.۶ درصد رشد خواهد داشت.



است. این درحالی است که با توجه به رشد حدود ۱۰۲ درصدی جمعیت، میزان تراکم جمعیت در کشور به ۴۷۰۲ نفر در هر کیلومتر مربع رسید. بر این اساس جمعیت فعال نزدیک به ۲۳۰۹ میلیون نفر بوده، که منتهی به نرخ بیکاری ۱۰۵ درصدی در سه ماهه سوم سال گذشته شده است. این درحالی است که نرخ بیکاری در سطح شهر ۱۱۰۷ و در روستاها ۷۰۴ درصد گزارش شد، که در این بین نرخ بیکاری زنان ۲۰۳ درصد و مردان ۸۰۷ درصد است. همچنین در پاییز سال گذشته نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ۲۱۰۸ درصد و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۲۵۰۷ درصد بوده است.

رشد ۲۰۲ درصدی شاخص دستمزد کارگران

بانک مرکزی همچنین شاخص دستمزد کارگران ساختمانی در مناطق شهری ایران را برای ۱۱ ماهه سال ۹۳ اعلام کرد. این بانک اعلام کرد که متوسط شاخص دستمزد کارگران ساختمانی در ۱۱ ماه اول سال ۱۳۹۳، به عدد ۲۱۸،۱ رسید، که این رقم در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۲۰۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. در ۱۱ ماه اول سال ۱۳۹۳ متوسط شاخص‌های دستمزد بنا و کارگر ساده ساختمانی به ترتیب به اعداد ۲۰۴،۱ و ۲۲۴ بالغ شد، که نسبت به دوره مشابه سال ۱۳۹۲، به ترتیب ۱۸۰۶ و ۱۸۰۲ درصد افزایش داشته است.

همچنین براساس اعلام بانک مرکزی، شاخص دستمزد کارگران ساختمانی در بهمن‌ماه ۱۳۹۳، به عدد ۲۳۰،۳ رسید، که در مقایسه با ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۰۸ و ۱۸ درصد افزایش داشته است. در این ماه شاخص‌های دستمزد بنا و کارگر ساده ساختمانی به ترتیب به اعداد ۲۱۲،۲ و ۲۳۰،۶ رسید، که این رقم نسبت به ماه قبل به ترتیب ۰۳ و ۰۱ درصد و در مقایسه با ماه مشابه سال ۱۳۹۲ به ترتیب ۱۴۰۴ و ۱۴۰۶ درصد افزایش داشته است.

واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به گونه‌ای بوده که نزدیک به ۱۵ هزار و ۱۰۸ میلیارد تومان منابع از این طریق برای دولت کسب شده و در مقابل نزدیک به ۱۲ هزار و ۳۸۷ میلیارد تومان در بخش عمرانی هزینه شده است. براین اساس کسری تراز عملیاتی و سرمایه‌ای بودجه دولت در سه ماهه سوم سال گذشته به ۶۴۴۶ میلیارد تومان رسید.

نرخ بیکاری ۱۰،۵ درصد شد

به جز این نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی در سه ماهه سوم ۹۳ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری به ۱۰،۵ درصد رسیده است. این اتفاق در حالی رخ داده است، که در پایان فصل تابستان این رقم حدود ۹،۵ درصد گزارش شده بود، که در این حوزه افزایش باعث نگرانی‌هایی شده است. حال آن‌که جمعیت فعال کشور در سه ماهه سوم ۹۳ طبق این گزارش، ۲۳۰۹ میلیون نفر بوده است. نرخ بیکاری البته در مناطق شهری ۱۱،۷ درصد و روستایی ۷،۴ درصد گزارش شده است. نرخ بیکاری زنان ۲۰،۳ درصد و مردان ۸،۷ درصد اعلام شده، ضمن آن‌که نرخ بیکاری در جوانان ۲۹-۱۵ ساله، ۲۱،۸ درصد و جوانان ۲۴-۱۵ ساله ۲۵،۷ درصد برآورد شده است. در این گزارش که با استفاده از مستندات مرکز آمار ایران تهیه شده، همچنین آمده است که در این تاریخ جمعیت ایران ۷۷،۸ میلیون نفر بوده، که ۵۶،۴ میلیون نفر در شهر و ۲۱،۴ میلیون نفر در روستا بوده‌اند. این آمار بیانگر رشد ۱۰،۲ درصدی است.

جمعیت ایران ۷۷،۸ میلیون نفر

در گزارش ۹ ماهه بانک مرکزی همچنین آمده که در پایان سه ماهه سوم سال ۱۳۹۳، مجموع جمعیت کشور به ۷۷ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر رسیده است. براساس شاخص‌های عمده اقتصادی منتشره از سوی بانک مرکزی، در پایان سه ماهه سوم سال گذشته جمعیت شهری کشور ۵۶،۴ میلیون نفر و جمعیت روستایی حدود ۲۱،۴ میلیون نفر بوده

جدول رشد اقتصادی ۴۰ سال گذشته، نشان می‌دهد که دولت در سال ۹۳ که توانسته است رشد اقتصادی کشور را مثبت کند، کار بزرگی انجام داده است چون پیش از آن اقتصاد ایران بعد از چند سال بهره‌مندی از درآمد نفت رشدهای منفی اقتصادی را تجربه کرده بود اما حالا بازگشت رشد اقتصاد به خطوط مثبت، در شرایطی رخ می‌دهد که آسیب‌های بزرگی نیز در اقتصاد ایران به خاطر عملکردهای گذشته وجود داشته است. این مسئله نشان می‌دهد که اقتصاد ایران جهت‌گیری رو به جلو داشته است. سرمایه‌گذاران اقتصادی می‌توانند این رشد اقتصادی را به فال نیک بگیرند، مخصوصاً این‌که تفاهم لوزان سوئیس نیز دامنه رویکرد جهان اقتصادی را به ایران گسترده کرده است. این البته تنها بخشی از ماجراست، حالا که اقتصاد ایران در مدار حرکت صعودی قرار گرفته است کارشناسان بر این باورند که دولتی‌ها باید در کنار ترمیم شاخص‌ها به گونه‌ای رفتار کنند که جا برای عملکرد بهتر بنگاه‌های خصوصی سرمایه‌گذاری باز شود. این روزها همه صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند قرار گرفتن بورس در پایشانی اقتصاد و واگذاری ایفای نقش تامین مالی به بازار سرمایه، می‌تواند روند مثبت شدن شاخص‌ها را در دوران پای گرفتن رشد اقتصادی سرعت ببخشد.

۵،۵ میلیارد دلار بدهی خارجی

این گزارش در خصوص بدهی‌های خارجی ایران هم گزارش داده که رقم این بدهی‌ها در پایان دوره ۹ ماهه سال گذشته ۵ میلیارد و ۵۲۷ میلیون دلار بوده است، که نسبت به آمار ۶ ماهه ۹۳ که رقم ۶ میلیارد و ۱۱۱ میلیون دلار بوده است که حدود ۵۸۴ میلیون دلار کاهش نشان داده است. براساس مستندات بانک مرکزی کل بدهی‌های خارجی ۵ میلیارد و ۵۲۷ میلیون دلار برآورد شده است. ضمن آن‌که در این تاریخ، صادرات کالا ۶۸ میلیارد و ۲۸۹ میلیون دلار، واردات کالا ۴۵ میلیارد و ۵۱۱ میلیون دلار، تراز حساب جاری ۱۹ میلیارد و ۹۳۸ میلیون دلار و تراز بازرگانی ۲۲ میلیارد و ۷۷۸ میلیون دلار برآورد شده است. همچنین در گزارش بانک مرکزی نرخ رشد نقدینگی (آذرماه ۹۳ نسبت به پایان سال قبل از آن) ۱۴،۹ درصد، پول منفی ۳،۴ درصد، شبه پول ۱۹،۵ درصد و سپرده‌های بخش غیردولتی ۱۶،۶ درصد اعلام شده است.

درآمد ۹ هزار میلیارد پایین‌تر از هزینه‌ها

در پایان سه ماهه سوم سال ۱۳۹۳، درآمدهای دولت حدود ۹۰۰۰ میلیارد تومان کمتر از پرداخت‌های هزینه‌ای آن بود. بنابر نماگرهای اقتصادی منتشره بانک مرکزی، در پایان سه ماهه سوم سال ۱۳۹۳، میزان درآمدهای دولت حدود ۲۳ هزار و ۱۷ میلیارد تومان بوده، که در مقابل آن نزدیک به ۳۲ هزار و ۴۶۵ میلیارد تومان پرداخت‌های هزینه‌ای داشته است، ارقامی که نشان می‌دهد درآمد و هزینه دولت تراز نبوده است. همچنین

۱۱ ماه تجارت خارجی در ایران

صادرات غیر نفتی ۱۵,۳ درصد رشد یافت



صادرات گمرکی

در ۱۱ ماهه نخست سال ۱۳۹۳، ارزش صادرات گمرکی با ۱۵,۳ درصد افزایش نسبت به رقم متناظر سال قبل از آن به ۳۲۶۳۳ میلیون دلار رسیده است. در همین مدت، وزن کالاهای صادراتی به ۷۲۰۷۰ هزار تن بالغ شده است که نسبت به رقم مشابه سال قبل، ۰,۹ درصد کاهش نشان می‌دهد. مقایسه رشد ارزشی و وزنی صادرات، بیانگر افزایش قیمت دلاری هر واحد از صادرات کشور در این دوره است.

براساس صادرات صنعتی کشور که طبقه‌بندی ISIC در ۱۱ ماهه نخست سال ۱۳۹۳، ۸۴,۵ درصد از ارزش کل صادرات گمرکی را به خود اختصاص داده، در این مدت نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۴,۸ درصد رشد داشته است. بروز این تحول مثبت در صادرات صنعتی در شرایطی است که نرخ‌های رشد متناظر در ۱۱ ماهه سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب ۶,۶- و ۰,۶- درصد بوده‌اند. پنج رشته فعالیت اصلی از صادرات صنعتی کشور که ارزش دلاری آن‌ها معادل ۸۵,۵ درصد کل صادرات صنعتی است، عبارتند از: مواد و فرآورده‌های شیمیایی، کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت خام، فلزات پایه، فرآورده‌های غذایی و سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی. به جز گروه فرآورده‌های معدنی غیرفلزی که در ۱۱ ماهه سال ۹۳، شاهد کاهش ۲,۶ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل بوده‌است، در چهار گروه دیگر وضعیت صادرات بهبود یافته، به نحوی که گروه مواد و

یکی از مراکز مطالعات اقتصادی در ایران* به تازگی گزارشی را از ۱۱ ماه تجارت در ایران منتشر کرده است، که نشان می‌دهد در این مدت فصل تجارت در ایران گرمای مطلوبی داشته است. بر اساس این گزارش در مدت مورد نظر معادل ۳۲۶۳۳ میلیون دلار صادرات غیر نفتی از ایران راهی بازارهای جهانی شده است، که این رقم نسبت به دوره مشابه سال ۹۲ معادل ۱۵,۳ درصد رشد نشان می‌دهد. درباره سهم گروه‌های کالایی در صادرات گمرکی نیز می‌توان گفت که در ۱۱ ماهه نخست سال ۹۳، سهم کالاهای صنعتی و کشاورزی به ترتیب ۸۴,۵ و ۱۱,۱ درصد بوده است. مقایسه ارزش هر تن کالای صادراتی در ۱۱ ماهه نخست سال ۹۳ با مدت مشابه سال قبل حاکی از رشد ۱۶,۳ درصدی است، که می‌تواند ناشی از افزایش سهم کالاهای با فرآوری بیشتر از کل صادرات باشد.

براساس آمار گمرک، نرخ رشد واردات کشور در ۱۱ ماهه نخست سال ۹۳ با ۱۲,۶ درصد افزایش نسبت به رقم متناظر سال قبل، به ۴۸۲۵۸ میلیون دلار افزایش یافته که ۸۲,۲ درصد آن به واردات محصولات صنعتی اختصاص داشته است. در این میان، رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای قابل ملاحظه است. بهبود واردات این نوع کالاها که از فصل چهارم سال ۹۲ آغاز شده بود، در ۱۱ ماهه نخست سال ۹۳ همچنان ادامه داشته است، به نحوی که رشد ۱۱ ماهه واردات کالاهای سرمایه‌ای ۳۴,۴ درصد بوده است. واردات واسطه‌ای نیز در ۱۱ ماهه سال ۹۳، با رشد ۷,۸ درصدی روبه‌رو بوده است. مقایسه آمار ۱۱ ماهه سال ۹۳ نسبت به ۱۰ ماهه سال ۹۳ نشان می‌دهد که از شتاب رشد واردات کالاهای واسطه‌ای در این ماه، کاسته شده است. لازم به ذکر است که نرخ رشد ۱۰ ماهه برای کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای وارداتی به ترتیب ۳۶,۶ و ۱۰ درصد بوده است.

فرآورده‌های شیمیایی، کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت خام، فلزات پایه و فرآورده‌های غذایی به ترتیب، ۲۱,۴ درصد، ۲۵,۲ درصد، ۱۸,۹ درصد و ۹,۵ درصد رشد را تجربه کرده‌اند.

براساس طبقه‌بندی معمول بانک مرکزی، ارزش دلاری صادرات، رشد ارزش دلاری نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل و همچنین سهم گروه‌های مختلف کالایی، در ۱۱ ماهه نخست سال ۱۳۹۳ نشان داده شده است. ارزش دلاری صادرات کالاهای کشاورزی و کالاهای صنعتی که بیشترین سهم از کل صادرات را دارند، در بهمن ماه ۹۳ نسبت به ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۱۶,۷ و ۳۷,۶ درصد رشد داشته‌اند.

آمارها نشان می‌دهد، در بهمن ماه سال ۹۳، متوسط قیمت هر تن کالای صادراتی ۴۹۵ دلار بوده است که نسبت به بهمن ماه ۹۲ با ۳۷,۹ درصد افزایش و نسبت به دی ماه ۹۳ با ۴ درصد کاهش مواجه شده است.

در بین چهار گروه اصلی صادراتی در ۱۱ ماهه نخست سال‌های ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۳ کالاهای سنتی و کشاورزی با ۳۳,۵ درصد بیشترین میزان رشد را به خود اختصاص داده است. ارزش دلاری کالاهای صنعتی که بیشترین سهم را در بین این گروه‌ها دارد، ۲۴,۲ درصد افزایش یافته است. ارزش دلاری صادرات کلوخه‌های کانفلزبو کالاهای طبقه‌بندی نشده به ترتیب به میزان ۱۹,۵ و ۹۸,۱ درصد کاهش یافته است.

سهم کالاهای مختلف صنعتی از ارزش صادرات گمرکی در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۳ تغییر محسوسی نداشته است.

فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز، مواد شیمیایی و مواد پلاستیکی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند، که در مجموع حدود ۶۰ درصد از ارزش صادرات گروه کالاهای صنعتی را شامل می‌شوند. در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۳ این سه زیرگروه از کالاهای صنعتی از نظر ارزشی به ترتیب رشدی برابر با ۲۵,۹؛ ۳۹,۹؛ ۱۵,۲ درصد داشته‌اند. همچنین میوه‌های تازه و خشک بیشترین سهم (۴۶,۸ درصد) از ارزش صادرات گروه کالاهای سنتی و کشاورزی را به خود اختصاص داده‌اند. ارزش صادرات این گروه از کالاها با ۴۱,۱ درصد افزایش نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۲۵۱۷ میلیون دلار رسیده است.

واردات گمرکی

براساس آمار منتشرشده گمرک، در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۳، واردات کشور ۱۲,۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته که بخش قابل توجهی از آن به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که به طور مستقیم در فرآیند تولید وارد می‌شوند، اختصاص داشته است. طبقه‌بندی براساس نوع واردات، نشان می‌دهد که در مدت مذکور واردات سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی به ترتیب ۳۴,۴؛ ۷,۸ و ۷۰ درصد رشد را نسبت به مدت مشابه سال قبل

تجربه کرده‌اند. وزن کالاهای وارداتی در ۱۱ ماهه اول سال ۱۳۹۲ برابر ۲۹۳۱۶ هزارتن بوده است، که با افزایش ۲۹,۸ درصدی در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۳ به مقدار ۳۸۰۶۴ هزارتن رسیده است.

همچنین نمودار ۲ وضعیت نرخ رشد ماهانه واردات گمرکی را برحسب نوع مصرف نشان می‌دهد. روند منفی شدن نرخ رشد واردات واسطه‌ای که بیشترین سهم را از کل واردات کشور به خود اختصاص داده است، از مهر ۹۰ آغاز شده و تا آبان ۹۲ (به جز دو ماه در سال ۹۱) ادامه یافته است. روند بهبود در واردات



براساس آمار منتشرشده گمرک،

در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۳، واردات

کشور ۱۲,۶ درصد نسبت به

مدت مشابه سال قبل افزایش

یافته که بخش قابل توجهی

از آن به کالاهای سرمایه‌ای و

واسطه‌ای که به طور مستقیم

در فرآیند تولید وارد می‌شوند،

اختصاص داشته است

کالاهای واسطه‌ای نیز از آذر سال ۹۲ آغاز و در فصل‌های اول و دوم سال ۹۳ با سرعتی قابل توجه ادامه یافت، در فصل سوم سال ۹۳ رشد واردات این گروه دوباره متوقف شد و در بهمن ماه ۹۳، واردات واسطه‌ای کاهش ۲,۹ درصدی نسبت به دی ۹۳ و کاهش ۹ درصدی نسبت به ماه مشابه سال قبل را به ثبت رساند.

واردات کالاهای سرمایه‌ای در بهمن ۹۳ نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۰,۷ درصد و نسبت به دی ۹۳؛ ۱۲,۲ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر، از مهر ۹۳ رشد واردات مصرفی با روند کاهشی روبه‌رو شده است؛ به نحوی که به طور متوسط در فصل سوم سال ۹۳ واردات این گروه ۱۱,۳ درصد کاهش یافته است و در بهمن ماه ۹۳ این گروه از واردات،

کاهش ۱۷,۷ درصدی را نسبت به ماه مشابه سال قبل به ثبت رسانده است. واردات صنعتی کشور که براساس طبقه‌بندی ISIC در ۱۱ ماهه نخست سال ۱۳۹۳؛ ۸۲,۲ درصد ارزش کل واردات را به خود اختصاص داده، در این مدت نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷,۱ درصد رشد داشته است. این رشد مثبت در شرایطی حاصل شده که نرخ‌های رشد متناظر در ۱۱ ماهه سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب ۱۶,۲- و ۸,۸- درصد بوده‌اند. پنج رشته فعالیت اصلی که در مجموع ۶۵,۲ درصد از واردات صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند، عبارتند از: ماشین‌آلات و تجهیزات، فرآورده‌های غذایی، مواد و فرآورده‌های شیمیایی، وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر و فلزات پایه.

به جز گروه فرآورده‌های غذایی که در ۱۱ ماهه سال ۹۳، شاهد کاهش ۲۷,۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل بوده است، در چهار گروه دیگر واردات افزایش یافته است، به نحوی که ماشین‌آلات و تجهیزات، مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی، وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر و فلزات پایه به ترتیب رشد ۴۱,۳ درصد؛ ۱۰,۱ درصد؛ ۴۱,۳ درصد و ۱۴,۷ درصد را تجربه کرده‌اند.

آمارها نشان می‌دهد ارزش دلاری ماشین‌آلات و لوازم حمل‌ونقل که بیشترین سهم از کل واردات را دارد، در بهمن ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل به میزان ۲۸,۷ درصد افزایش یافته است. ارزش دلاری مواد غذایی و حیوانات زنده نیز به میزان ۳۳,۴ درصد کاهش یافته است. ارزش دلاری ماشین‌آلات و لوازم حمل‌ونقل نسبت به دی ماه سال ۱۳۹۳ نرخ رشد مثبت ۱۲,۳ درصد داشته است و ارزش دلاری مواد غذایی و حیوانات زنده ۷,۷ درصد نسبت به ماه قبل کاهش یافته است. همچنین قیمت هر تن کالای وارداتی در بهمن ماه سال ۱۳۹۳ نسبت به بهمن ماه سال گذشته به میزان ۱۱,۸ درصد کاهش یافته و نسبت به ماه قبل‌تر نیز افزایش ۸ درصدی را تجربه کرده است.

ارزش دلاری واردات در گروه‌های مختلف کالایی طبق طبقه‌بندی بانک مرکزی برای ۱۱ ماهه اول سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نشان می‌دهد در بین ۱۰ زیر گروه اصلی کالاهای وارداتی، ارزش دلاری ماشین‌آلات و لوازم حمل و نقل بیشترین میزان رشد را داشته است که برابر ۳۸,۸ درصد است. پس از آن ارزش دلاری کالاهای طبقه‌بندی نشده، ۳۸,۴ درصد افزایش یافته است. نرخ رشد ارزش دلاری گروه مواد شیمیایی و گروه مواد غذایی و حیوانات زنده به ترتیب ۵,۰ و ۲,۲- درصد است. بیشترین سهم ارزش دلاری به گروه ماشین‌آلات و لوازم حمل و نقل اختصاص دارد، که برابر ۳۷ درصد است. گروه مواد غذایی و حیوانات زنده از نظر سهم ارزش دلاری در رتبه دوم قرار دارد، که ۱۹,۰ درصد است. سهم ارزش دلاری گروه مواد شیمیایی نیز ۱۳,۳ درصد است.

*موسسه نیواوران

آینده اقتصاد؛ بیم‌ها و امیدها

مریم دهقان*

گفته می‌شود که انگار فقط بخش خصوصی باید باور کند که چیزی درون توسعه و اقتصاد در ایران تغییر کرده است و فردا روز دیگری است، در صورتی که به نظر می‌رسد بخش خصوصی این مسئله را به‌خوبی باور کرده است و حتی آماده شده تا در قامت دیگری در اقتصاد ایران حضور یابد. اما انتظار توام با نگرانی متوجه نهادهای دولتی است، آن هم از بابت این که آیا آن‌ها می‌توانند کاری کنند که مثلاً یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران به نام تولیدگریزی بر طرف شود؟ اگر این اتفاق رخ ندهد، به نظر می‌رسد نمی‌توان زیاد هم به آینده توسعه در ایران امیدوار بود. یعنی بسیاری از جهش‌ها و تحول‌ها و شور و شوق‌ها به احتمال زیاد مربوط به کوتاه‌مدت می‌شود و نمی‌تواند آینده‌ای دورتر و وسیع‌تر را در بر بگیرد. بزرگ‌ترین مشکل ما این است که تولید در ایران آن‌طور که باید پا نگرفته است و نهادهای مالی و بسیاری از نهادهای تاثیرگذار و تعیین‌کننده در این زمینه که می‌توانند به رشد اقتصاد مولد کمک کنند نیز، سعی و تلاش قابل ملاحظه‌ای ندارند که اقتصاد مالی، بازاری و وارداتی در ایران به اقتصاد تولیدی تبدیل شود.

از این منظر است که نگرانی‌ها شکل می‌گیرند که آیا دولت می‌تواند وقتی اقتصاد ایران به شکوفایی نزدیک می‌شود یک‌بار برای همیشه از این شکوفایی استفاده کند و پا روی منافع‌های فردی و گروهی اهالی اقتصاد وارداتی بگذارد و به سمتی برود که تولید تا به این حد گوشه‌گیر نباشد و شهروندان هم به‌جای آن‌که در پیاده‌روهای چهارراه استانبول هماهنگ با قیمت دلار بالا و پایین بروند، در بورس حاضر شوند و سرمایه‌های خود را صرف تقویت تولید کنند؟ آینده هرچند که نوید روشنائی برای توسعه می‌دهد اما به نظر می‌رسد نگرانی‌هایی را نیز درون خود جای داده است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن‌ها گذشت.

*وکیل دعاوی اقتصادی و خصوصی



سوداگران حضور یابند نقش تاریخی اقتصاد ایران را به‌جای مصرف‌گرایی به عرضه‌کننده کالا تغییر دهند یا نهادهایی نظیر بورس می‌توانند در اقتصاد حضور داشته باشند و به‌جای بنگاه‌داری توسط بانک‌ها وظیفه تامین مالی را به نفع فعالیت‌های مولد بر عهده بگیرند. بنگاه‌های سرمایه‌گذاری بزرگ نیز وجود دارند که اگر فضا متحول شود می‌توانند به‌جای واردکنندگان پراکنده کالا وارد میدان شوند و جای خالی سرمایه‌های مورد نیاز اقتصاد مولد را پر کنند. این جایگزینی‌ها اگر به واقعیت برسند، حتماً اقتصاد ایران می‌تواند در کنار گشایش‌های بزرگ، درآمدی توافق هسته‌ای، باری بزرگ از روی دوش توسعه ایرانی بردارد. گاهی اوقات به گونه‌ای سخن

بعد از سال‌ها ریاضت اقتصادی و دردسرهای تحمیل‌شده به فضای اقتصادی ایران، به نظر می‌رسد حالا ورق در حال برگشتن است و روزهای خوب انتظار اقتصاد ایران را می‌کشند. رشد اقتصادی نزدیک به ۳ درصد برای سال ۹۳ هرچند که با رشد اقتصادی مطلوب و آنچه در چشم‌انداز اقتصاد ایران مکتوب شده بود فاصله زیادی دارد اما بعد از رشد منفی ۶٫۸ درصدی در سال ۹۱ آن‌قدر پتانسیل امید را در خود دارد که بتوان امیدوارانه به آینده اقتصاد ایران نگاه کرد و این اندیشه را در بطن اقتصاد ایرانی جاری ساخت، که می‌توان به توسعه‌ای مطلوب دست یافت. حتماً تحرکی که در اقتصاد ایران به وجود آمده است می‌تواند جذابیت ورود به اقتصاد کشور را برای سرمایه‌داران، بنگاه‌های سرمایه‌ای و فعالان حاضر در حوزه‌های مختلف اقتصادی به وجود آورد اما یک مولفه مهم را نباید فراموش کرد و آن هم چیزی نیست جز این که برخی از معضلات به دلیل تداوم در اقتصاد ایران حالا دیگر تاحدی نهادینه شده‌اند. تولیدگریزی و تکیه بر اقتصاد مالی به‌جای اقتصاد مولد، یکی از معضلاتی است که باعث شده در اقتصادی نظیر اقتصاد ایران نهادی مانند بازار سرمایه نیز نتواند آن‌گونه که باید و شاید بر توسعه

کشور تاثیر بگذارد. برای عبور از چنین معضلی بدون شک دولت باید پیش از هر کس یا هر گروهی آستین‌ها را بالا بزند و با اتخاذ راهبردهایی سعی کند تا تولید و اندیشه مولدگرایی در اقتصاد ایرانی جای خود را باز کند. تجربه نشان داده است که توسعه در ایران در بسیاری از مواقع یا از مدیریت‌های ضعیف اقتصادی ضربه خورده است یا فراخ بودن بیش از اندازه فضا برای فعالیت حوزه‌های غیر مولد به گونه‌ای بوده که آن‌ها توانسته‌اند سدی بزرگ در مقابل تولید ایجاد کنند. عبور از چنین مانعی به طور حتم نیاز دارد تا دولت پیش‌قراول چنین تحولی باشد. ما نیاز داریم تا خصلت دلالی و سوداگری را در اقتصاد تغییر دهیم. به طور حتم تولیدکنندگان می‌توانند به‌جای

جنسیت و توسعه اقتصادی

نادر هوشمندیار، استاد دانشگاه*



خرداد امسال آزمون استخدامی دولت برگزار می‌شود. ۲۸۰۰ نفر از میان شرکت‌کنندگان آزمون انتخاب می‌شوند، که از بین آن‌ها ۲ هزار و ۲۸۴ شغل به مردان، ۱۶ شغل به زنان و ۵۰۰ شغل نیز به صورت مشترک به زنان و مردان داده می‌شود. اختصاص تنها ۱۶ شغل به زنان، میزانی کمتر از یک درصد، اتفاقی بحث‌برانگیز است. این درصد بیش از همه زمانی به چشم می‌آید که دولت بارها اعلام کرده در پی ایجاد برابری‌های شغلی میان زنان و مردان است. فارغ از این، کارشناسان بر این باورند که غیبت زنان در فعالیت‌های اجرایی و اقتصادی، به معنای محروم کردن کشور از بخش مهمی از ظرفیت‌های علمی، تخصصی و کارشناسی و در نهایت به زیان توسعه همه جانبه خواهد بود. یادداشت زیر در همین رابطه تنظیم شده است. نادر هوشمندیار می‌کوشد خیلی کوتاه توضیح دهد که ضعف مشارکت زنان چه زبانی برای توسعه به وجود می‌آورد.

تلاش در جهت توانمندسازی زنان و ارتقای حضور آنان در اجتماع و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان به‌ویژه در زمینه اشتغال، از جمله جهت‌گیری‌های لازمی است که باید مورد توجه هر دولت و دستگاه اجرایی قرار گیرد. صاحبان اندیشه بارها تاکید کرده‌اند که توسعه شکلی از گفتمان انسانی است و در نهایت برای انسان صورت می‌گیرد، بر اساس همین تعریف،

مطرح شد و مسیر نهادسازی و نگرش جدید به نقش‌های کلیدی انسان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی و ارائه مسئولیت‌های کارآمد به زنان را باز کرد. در این قالب مفهومی، همچنین ماهیت مشارکت زنان را در محیط فعالیت، اعم از بیرون و درون خانه تحلیل و از آنان اغلب به عنوان مدیران صادق در جامعه یاد می‌کرد.

همراستایی و همراهی مفهوم جنسیت و توسعه در دهه ۱۹۸۰ و بعد از آن در بیشتر کشورهای (آ - س - آن) و کشورهایی که در جهت خصوصی‌سازی حرکت می‌کردند، شکل جدی گرفت و درواقع مفهوم جنسیت یا در برشی بزرگ‌تر مفهوم انسان، جانشین مفهوم زن یا مرد در توسعه شد. این مفهوم تا حد زیادی صرفاً به دلیل نگرش به جایگاه زنان (در توسعه) در برخی کشورها بود که

توسعه مستلزم فضا سازی داخلی و خارجی از طرف دولت است، که منتج به آرامش سیاسی، اقتصادی و رفاه اجتماعی، برای همه مردم شود. اگر این اتفاق رخ دهد، در دهلیزهای فراگیر توسعه همه اعضای جامعه اعم از زن و مرد در این فرآیند مشارکت خواهند کرد و متعاقب آن منافع آنان هم تعریف می شود.

برنامه ریزی و نگرش بر مبنای فاکتورهای عبور از ترجیح جنسیتی، در طرح های توسعه ای ضروری است. حق دسترسی زنان به منابع طبیعی از پارمترهای اولیه است و تاثیر آن بر تغییر الگوی تقسیم کار میان زنان و مردان و مدیریت کلان، آیتمی است که می تواند زمینه استفاده از نیروی هر دو جنس را در تقویت توسعه فراهم کند. در صورت حمایت از توان زنان در توسعه و تحقق آن در اجتماع، انتظار می رود که روند مثبت و معناداری نیز در راستای کاهش آسیب های اجتماعی زنان در جامعه تحقق نسبی یابد و این معنایی ندارد جز این که نیروی تازه به جریان توسعه اضافه شده است.

توسعه اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ های ۵ تا ۸ درصد و بیشتر پیش بینی شده بود.

همان طور که می دانیم، توسعه چیزی بیش از رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی های سیاسی، بزرگداشت ارزش ها و سنت های بومی، ملی و فراملی را نیز در بر می گیرد. به عبارتی دیگر، توسعه فرآیندی است همه جانبه و مرتبط با فرهنگ های هر جامعه و مشارکت همه افراد و گروه هایی که هم بنیان گذار آن هستند و هم از آن نفع می برند.

توسعه عمدتاً با گفتگو و مشارکت انسانی شروع می شود و توسعه حضور انسان در توسعه و فراهم سازی مشارکت زنان در فرآیند توسعه، در واقع نخستین قدم در رسیدن به اهدافی است که پایه های آن بعد از جنگ جهانی دوم پی ریزی شد. استفاده از خلاقیت ها، توانایی ها و مشارکت زنان در برنامه های اجتماعی و اقتصادی و ایجاد فرصت هایی برابر با مردان، توانی در اختیار توسعه می گذارد که در اصل نوعی بینش جدید و انقلاب آگاهی و دانایی را در بر خواهد داشت. دانایی محوری و انقلاب دانایی نیز بزرگ ترین میدان رقابت را در دنیای امروز به وجود آورده است. به تعبیر دیگر اگر می خواهیم جایی در جریان دانایی داشته باشیم، باید انسان را به شکل کامل در فرایند توسعه پذیرا باشیم.

البته گنجاندن اهداف نوین جنسیت در توسعه در مراحل مختلف سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرایی برای سال های پیش رو، یک روی سکه است و کوششی آگاهانه و سازمان یافته با ضمانت اجرایی روی دیگر سکه خواهد بود، که از نظر

منطق و چارچوب عقلانیت، هیچ کدام از این ها نمی تواند بدون یکدیگر معنا یابد. این را به خاطر این می گویم که توسعه در ایران به لحاظ شعار لبریز است و نمی توان با شعار پردازی دست انداز ترجیحات جنسیتی را برداشت تا به دانایی مورد نظر توسعه نوین رسید. اگر برنامه ریزان کلان توسعه بر این باورند که باید در تغییر جایگاه توسعه از نیروی هر دو جنس انسانی استفاده کرد، باید در حوزه اجرا نیز تضمین این شعارها را به تصویر بکشند. یا به عبارتی به گونه ای عمل کنند که راهبردهایی اجرایی برای رسیدن به این هدف وجود داشته باشد.



**از نظر عرف، سنت، عقلانیت
ابزاری و دیدگاه علمی، همه چیز در
حال تغییر و توسعه است، با رویکرد
دانش فنی جدید و ماشینی شدن
فعالیت های اقتصادی و اجتماعی،
فضای محدودی بر تاثیر اشتغال
و معیشت زنان در بخش صنعت،
تجارت و کشاورزی در کشورهای در
حال توسعه مانند ایران وجود دارد
به عبارتی اگر تن به عبور از ترجیحات
بی قاعده جنسیتی ندهیم، عبور زنان
به واسطه برخی تغییرات در توسعه با
تاخیر بیشتر همراه می شود**

از نظر عرف، سنت، عقلانیت ابزاری و بینش دیدگاه علمی، همه چیز در حال تغییر و توسعه است، با رویکرد دانش فنی جدید و ماشینی شدن فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، فضای محدودی بر تاثیر اشتغال و معیشت زنان در بخش صنعت، تجارت و کشاورزی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران وجود دارد. به عبارتی اگر تن به عبور از ترجیحات بی قاعده جنسیتی ندهیم، عبور زنان به واسطه برخی تغییرات در توسعه با تاخیر بیشتر همراه می شود. مکانیکی و ماشینی شدن فعالیت ها از این قبیل امور هستند، که برای زنان محدودیت مضاعفی ایجاد می کنند. زیرا نداشتن فرصت های

آموزشی و کارآموزی غالباً موجب می شود زنان از حوزه مشاغل فنی جدید دور بمانند و تا زمانی که زنان به آموزش های کاربردی، فن آوری و دیگر زمینه های خلاقیت فردی دسترسی برابر نداشته باشند، مبادله نابرابری در مناسبات زنان و مردان وجود خواهد داشت. بدین ترتیب مدارک تحصیلی بالا برای رسیدن به فرصت های شغلی و کسب درآمد برای گروه های مختلف زنان، روز به روز اهمیت بیشتری می یابد.

تبعیض های جنسیتی توسعه را از پادرمی آورد یا به شدت تضعیف می کند، چون به جای آن که از دوی نیروی پیش برنده استفاده شود، تنها از یک نیرو برای پیشبرد توسعه استفاده می شود. همین مسئله باعث می شود تا توان رقابت با کشورهای که توسعه آن ها دوی نیروی انسانی پیش برنده دارند، بسیار تضعیف شوند. روی دیگر این سکه تحمیل فقر به زنانی است که از گردونه توسعه خارج می شوند. در حال حاضر با توجه به معیارهای مربوط به فقر مالی در میان زنان در کشورهای روبه توسعه مانند ایران و اهمیت سهم آنان در تامین مخارج خانوار، لازم است که برنامه های ویژه و مجموعه ای فراگیر از سیاست ها و طرح ها، برای رسیدگی به مسئله فقر مالی و آسیب های اجتماعی در میان زنان، در دولت به اجرا گذارده شود، که به آنان از لحاظ

اقتصادی قدرت بخشند و فرصت های مشارکت جنسیتی و توسعه آنان در جامعه مدنی افزایش یابد. اما در عمل می بینیم که در نقطه عکس، همچنان فرصت های بیشتر در توسعه در اختیار مردان قرار می گیرد. کمالین که به تازگی نیز دیدیم که قرار است در قبال استخدام ۲ هزار و ۵۰۰ مرد، فقط برای ۱۶ زن فرصت شغلی به وجود آید. در دنیای امروز این یک فاجعه است، چون رسماً با حذف یک نیرو، ضعف به توسعه تزریق می شود.

این نکته را فراموش نکنیم، که هر چه بیشتر در جهت ارتقای اوضاع جنسیت در توسعه تلاش کنیم، مردم نیز با رضایت و رغبت بیشتری در جهت حمایت از برنامه های توسعه ای جنسیتی شرکت خواهند کرد و نقش فعال تری در اجرای برنامه های اصلاحی به عهده خواهند گرفت و کل این فرآیند، پایه های استواری برای تحقق نظام مردمی در بر خواهد داشت. در غیر این صورت نباید انتظار داشته باشیم که توسعه از سوی مردم با عنوان یک اتفاق جدی و مورد نیاز کشور شناخته شود. برای عبور از این نقصان، به نظر می رسد مدیران و شرکت های سرمایه گذاری و مولد که نقش مهمی در چرخش توسعه دارند، بیشتر از هر بخش دیگری باید برای عبور از بن بست توسعه تلاش کنند یا در مقابل برداشت های سلیقه ای در توسعه، که روند توسعه مندی را کند می سازد مقاومت کنند. عجیب است که این اتفاق رخ نمی دهد و دیده نشده که هیچ گاه جمعی از مدیران و آگاهان اقتصادی آگاهی بخشی کنند و در مقابل حذف یکی از نیروهای پیش برنده توسعه بایستند.

* تحلیل گر مسائل اقتصادی و مدیریت

نگرش فرآیندی و راهکارهای پیاده‌سازی آن در سازمان‌ها

دکتر شهرام قبادی، جانشین معاونت طرح و برنامه در گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی

و حصول اطمینان از اجرای صحیح فرآیندها و همچنین ارتباط متقابل فرآیندها سروکار داریم و به آن‌ها می‌پردازیم.

سطح سازماندهی و اجرایی:

در آن اهداف و نحوه سازماندهی جزئیات ساختار سازمانی و مشاغل اصلی مورد نیاز سازمان طراحی و تعیین می‌شود. طراحی و تعیین ویژگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز کارکنان یا مجریان فرآیندها، تامین این منابع و سازماندهی آن‌ها براساس استخوان‌بندی سازمان (سطح ساختاری) اهداف کلان و فرآیندهای سازمان، محتوای اصلی این سطح را تشکیل می‌دهد.

جدول ۱: متغیرهای موثر بر عملکرد سازمان

سه نیاز عملکرد سه سطح عملکرد	اهداف	طراحی	مدیریت
سطح ساختاری	اهداف سازمان	طراحی سازمان	مدیریت سازمان
سطح فرآیندی	اهداف فرآیند	طراحی فرآیند	مدیریت فرآیند
سطح اجرایی و سازماندهی	اهداف شغل/مشاغل	طراحی شغل	مدیریت شغل/مشاغل

طرح ریزی ساختار سازمانی:

با توجه به جدول شماره ۱ یعنی جدول متغیرهای موثر بر عملکرد سازمان، برای طراحی مجدد یک سازمان لازم است قبل از هر چیز به سه پرسش اصلی زیر پاسخ داد:

آیا در سازمان موجود یا در حال طراحی و سطوح آن، کلیه وظایف و کارکردهای لازم برای تحقق اهداف سازمان مورد توجه یا پیشبینی قرار گرفته‌اند یا خیر؟

آیا ایجاد ارتباطات، فرآیندها و فعالیت‌های جدید ضروری است یا خیر؟

آیا فرآیندها و فعالیت‌های زائد وجود دارند که نیازی به آن‌ها نباشد یا خیر؟

پرچمن صاحب‌نظر سرشناس تئوری سیستم‌ها می‌گوید، هنگام اندیشیدن به هر سیستم، پنج اصل اساسی زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

هدف‌های کلی سیستم و به‌ویژه معیارهای سنجش فعالیت‌های آن‌ها

محیط خارج سیستم (محدودیت‌های غیر قابل کنترل)

منابع سیستم (ورودی‌ها)

اجرای تشکیل دهنده سیستم و نقش‌ها، هدف‌ها، معیار اندازه‌گیری فعالیت‌های هریک

مدیریت سیستم (بازخورد)

اثر بخشی هر سازمان در گروهی آن است که رابط‌های منطقی و مناسب بین سه لایه پیاز سازمانی با سه سطح عملکرد سازمان یعنی سطح ساختاری، سطح فرآیندی، سطح اجرایی یا سازماندهی وجود داشته باشد. در اولین سطح عملکرد، یعنی تعیین اهداف و ساختار کلان سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این سطح قبل از این که ما بتوانیم و بخواهیم به هر مسئله دیگری مانند ویژگی‌های منابع انسانی، فنی یا فرآیندهای سازمانی بپردازیم، باید نوع کار و حرفه، اهداف کلان، استراتژی‌ها، مأموریت‌ها و ساختار کلان و مناسبی برای تحقق این اهداف مشخص کنیم و نشان دهیم که وظایف مرتبط با این فعالیت‌ها یا فرآیندها از کدام مجاری سازمانی باید عبور کنند، این وظایف در سطح ساختاری یا سازمانی انجام می‌شود. به عبارت دیگر فرآیندهای اساسی که ورودی‌های سازمان را به خروجی تبدیل می‌کند، در زیر این پوشه قرار دارد.

تعیین اهداف سازمانی:

در سطح ساختاری، اهداف و مأموریت‌های سازمان باید به دقت تعریف و مشخص گردند. سایر متغیرهای سطوح سه گانه، عملکرد با لایه‌های پیاز سازمانی، باید از اهدافی که در سطح ساختاری تعیین شده‌اند پیروی کنند.

اهداف کلان در سطح کل سازمان باید به گونه‌ای تعیین و تعریف شده باشند که بتوانند قضاوت، تصمیم‌گیری و اظهار نظر در مواردی مانند نکات زیر را تسهیل و امکان‌پذیر سازند.

مزیت‌های رقابتی و برتری‌های سازمان نسبت به رقبای و شرایط بازار

خدمات، محصولات و بازارهای جدیدی که شرکت باید به آن توجه کند.

دلایل اولویتی که سازمانی برای این یا آن محصول یا خدمات خود قائل است.

این قسمت از مهم‌ترین وظایف مدیریت ارشد سازمان است.

حدود ۲۵۰۰ سال قبل، یکی از فیلسوفان یونانی به نام امپدوکس نظرش درباره خلقت یا پیدایش جهان و موجودات زنده این بود که گویا ابتدا دست، پا، چشم، گوش و ... هر یک مستقل می‌زیسته‌اند، ولی بعداً این اجزا با هم برخورد کرده و به هم آمیخته و انسان و سایر موجودات زنده را به وجود آورده‌اند. گاهی اوقات یک گردن بیسر برای خود در سیر و سلوک بوده و گاه فقط یک دست و چندین پا با هم بوده‌اند و بسیاری موجودات دو چهره با پستان‌های دو طرفه پدید آمدند. بعضی از نژاد گاو‌ان با چهره آدمی و بعضی از نژاد آدمیان با سرهای گاو.

واقعاً به این موضوع فکر می‌کنیم که اگر هریک از دست‌ها، پاها، چشم‌ها، مغز و ... به نحوی غیر یکپارچه و ناسازگار در مجموعه ارگانیسم قرار گرفته باشند و به نحوی بی‌هدف و ناهماهنگ، هریک از ضوابط خاصی پیروی کنند و به قول معروف دست راست از دست چپ خبر نداشته باشد، مثلاً دست راست نوازش کند و دست چپ سیلی بزند، چه اتفاقی می‌افتد؟ محتمل‌ترین نتیجه برای چنین ارگانیسمی، اگر هم آسان باشد، چیزی جز جنگ و کشمکش ارگانیسم با محیط پیرامون و نهایتاً تیمارستان نخواهد بود.

در مورد سازمانی با چنین مشخصات هم طبیعتاً نتیجه مشخص است؛ ورشکستگی و انهدام! سازمانی که به خوبی طرح‌ریزی نشده و هدفی برای آن مشخص نشده باشد، چیزی بهتر از موجود زنده امپدوکسی نخواهد بود.

هدف از طرح‌ریزی سازمان:

هدف از طرح‌ریزی سازمان عبارت است از این که عناصر و اجزای مختلف و مورد نیاز سازمان به درستی و به حد کفایت لزوم شناسایی تامین شوند و به نحو مقتضی و هدفمند با هم مرتبط گردند. در طرح‌ریزی سازمان، با شناخت و تعیین درست اهداف و ساختار کلان سازمان، شناسایی و تعیین فرآیندهای اصلی، سازماندهی، شناخت و تعیین مشاغل کارکنان به نحو صحیح، باید آن چنان که امپدوکس تصور میکرد، از ایجاد انسانهایی با سر گاو و موجوداتی با چشم‌های در پشت سر، جلوگیری کرد. متأسفانه، در اکثر سازمانهای کشور ما، در طراحی سازمان و ساختار سازمانی، کمتر به اهمیت فرآیندها و ارتباط آن‌ها توجه شده و طوری عمل میشود که گویا هیچ ارتباطی بین ساختار سازمان، فرآیندها و نظام‌های مدیریتی آن وجود ندارد.

سطوح عملکرد سازمانی

سازمان یک سیستم بزرگ است که از سیستم‌های متعددی تشکیل شده است. یکی از علمای علم مدیریت نیز برای نشان دادن ارتباط داخلی، سیستم‌ها و فرآیندهای هر سازمان را به پیاز تشبیه کرده است و برای آن سه لایه با سطح کلی تحت عنوان «سه سطح عملکرد سازمانی» قائل شده است. طبق نظر ایشان این لایه‌ها با سطوح پیاز ضمن ارتباط و تأثیر و تأثر متقابلی که دورن هر سطح و بین هر سه سطح وجود دارد، در مقابل کل محیط خارجی مجموعه واحد سازمان را تشکیل میدهند. هدف این کل عبارت است از تبدیل ورودی‌هایی که به صورت مواد اولیه، پول، تجهیزات، نیروی انسانی و ... از محیط دریافت میکند به محصول یا خدمات موضوع سازمان. هر لایه یا سطح پیاز را که بر می‌داریم لایه دیگری هویدا میشود که مجموعه آن‌ها و ارتباط متقابلشان کلیت یک پیاز را تشکیل میدهند. از نظر Rummmler هر لایه پیاز در حکم یک سیستم و همزمان یک یا چند سیستم فرعی و مجموعه‌ای از فرآیندها است. برای طراحی یا طراحی مجدد صحیح یک سازمان، ضروری است نقش و کارکردها و وظایف مورد نیاز تحقق اهداف سازمان را در هریک از لایه‌های پیاز یا سیستم‌های فرعی سازمان و همچنین ارتباط متقابل سه لایه به‌خوبی شناسایی کرد و با توجه به تئوریه‌ها و دستگاه‌های سازمانی، ساختار مناسب برای انجام این وظایف و کارکردها را طراحی کنیم.

با توجه به تفسیر مدل Rummmler هر سازمان از سطوح سه گانه اصلی عملکرد زیر تشکیل شده است:

سطح سازمانی یا ساختاری:

در این سطح علت وجودی، اهداف، استراتژی‌ها، خط مشی‌های کلان و چهارچوب کلی تشکیلات سازمان طراحی و تعیین میشود. طرح‌ریزی و تعیین هدفمند چهارچوب و استخوان‌بندی سازمان و حصول اطمینان از اجرای صحیح این ساختار، موضوع اصلی این سطح از سازمان است.

سطح فرآیندی:

در آن علت وجودی، اهداف و ساختار فرآیندهای اصلی مورد نیاز سازمان طراحی و تعیین می‌شود. به عبارت دیگر در این سطح ما عمدتاً با فرآیندها و مسائل مرتبط با آن‌ها از جمله اعمال مدیریت

طراحی سطح ساختاری سازمان:

گرچه تعیین اهداف و استراتژی سازمان، اولین گام ایجاد یا تجدید بنای یک سازمان به شمار می‌رود، اما اهداف به خودی خود محقق نمی‌شود و سازمان و ساختار مناسب لازم است که این اهداف را به نحو مطلوب به مرحله اجرا درآورد. فعالیت با متغیر طراحی سازمان عمدتاً بر حول محور طراحی یا تعیین ساختار سازمان می‌چرخد. در طراحی سازمان، معمولاً قبل از هر چیز نمودار سازمانی نظر ما را به خود جلب میکند، اما نمودار سازمانی به خودی خود فقط یک نمودار است و در بهترین حالت مسیرهای ارتباطی بین افراد و اجرای مختلف سازمان را نشان می‌دهد. این خطوط صرف نظر از هر دیدگاه مدیریتی که بر آن حاکم باشد، ما را به نحوه ارتباط بین واحدها با افراد آشنا می‌کند، ولی از چگونگی انجام کارها و اثربخشی سازمان آگاه نمی‌سازد. برای طراحی، بهبود یا طراحی مجدد صحیح و اثربخش یک سازمان، درک و فهم چیزهای بیشتری مورد نیاز است و خطوط و مستطیل‌های نمودار برای این شناخت و فهم کافی نیستند. این چیزهای بیشتر فرآیندهای سازمان هستند که در جای خود به آن‌ها خواهیم پرداخت.

مدیریت بر سطح ساختاری:

در سطح ساختاری دو متغیر از سه متغیر موثر بر عملکرد سازمان یعنی تعیین هدف و طراحی ساختار سازمان را بررسی کردیم. اینک می‌خواهیم بگوییم که چنانچه اهداف و ساختار سازمان به درستی تعیین شدند، بر سازمان باید مدیریتی صحیح نیز اعمال گردد تا اهداف تعیین شده قابل دسترسی باشند، بنابراین در این‌جا متغیر دیگر موثر بر عملکرد در سطح ساختاری سازمان، یعنی مدیریت سازمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مدیریت اهداف:

مدیریت سازمان باید اطمینان حاصل کند که هریک از کارکردهای سازمانی بر پایه یک یا چند هدف فرعی یا اجرایی استوار شده و مجموع کارکردها در خدمت تحقق اهداف کلان سازمانی قرار می‌گیرند. در فرایند طرح‌ریزی سازمان، باید اطمینان حاصل شود که اثربخشی سایر سطوح و فعالیت‌ها را خدشه‌دار نمی‌سازند و آن را کاهش نمی‌دهند. اهداف اصلی و اهداف فرعی بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف سازمان باید با هم سازگار باشند و هریک دیگری را تقویت کرده و در خدمت آن قرار گیرند. منظور ما از بهبود اثربخشی پادار سازمان‌ها نیز همین است. در یک سازمان فرآیندها را ملاک عملکرد مطلوب، میزان دستیابی به اهداف سازمان و نتایج و ارزش افزوده ناشی از اجرای فرآیندهای به هم مرتبط است، نه عملکرد این یا آن فرایند یا وظیفه خاص مدیریت بر فعالیت‌ها. برای رسیدن به اهداف سازمان باید بر فعالیت‌های اجرایی بنگاه در سطح ساختاری (مدیریت کلان) مدیریتی صحیح اعمال شود و وضعیت تک تک فرآیندهای اجرایی مورد پایش و اندازه‌گیری قرار گیرد.

مدیریت منابع:

متناسب با اهداف سازمان و نقش و جایگاه هر بخش، فرایند، با فعالیت در سطح سازمانی مدیریت منابع مورد نیاز آن بخش یا فرایند را تأمین و به آن اختصاص دهد. این منابع اعم از مواد، تجهیزات، نیروی انسانی، پول و غیره باید بتواند نیازهای بخش یا فعالیت را برآورده سازد. منابع باید بتواند نیازهای بخش یا فعالیت را برآورده سازد. منابع باید متناسب با نیاز و نقش واقعی هر فرایند به آن تخصیص یابد.

مدیریت ارتباطات سازمانی:

مدیریت هر سازمان باید این نکته را به خوبی دریابد، که دستیابی به اهداف سازمانی در سطوح مختلف تنها هنگامی امکانپذیر است که روابط کاری بین بخش‌ها و سطوح مختلف به خوبی و به گونه‌ای اثربخش برقرار شده باشد. این امر هنگامی میسر است که ارتباطات و مسیرهای آن به خوبی طراحی شده و به روشنی تعیین شده باشند.

طرح‌ریزی سطح فرآیندی سازمان:

فرآیندها اساسی‌ترین و موثرترین متغیر سطح عملکرد هر سازمان به شمار می‌آیند. یک سازمان هنگامی از عملکرد اثربخشی و کارایی مطلوب برخوردار است که از فرآیندهای عملیاتی و اطلاعاتی مناسب برخوردار باشد. گرچه هیچ‌یک از عوامل ساختاری فرآیندی سازمان‌ها مستقل از هم نیستند و عملکرد مطلوب هریک از آن‌ها نتیجه‌تأثیر عملکرد کل سازمان یا مستلزم عملکرد مطلوب مجموعه عوامل ذیربط است، اما می‌توان گفت که سطح فرآیندی یا فرآیندهای سازمان نقش جدیتری از سایر عوامل و سطوح بازی می‌کنند. در نهایت این فرآیندهای سازمان هستند که از طریق تبدیل ورودی به خروجی می‌توانند برای سازمان ارزش افزوده ایجاد کنند و واقعاً میزان اثربخشی هر سازمان، محدود به میزان اثربخشی فرآیندهای آن سازمان است. ساختار یک سازمان هر قدر هم که خوب طراحی شده باشد، در صورتی که سازمان از طراحی مناسب برخوردار نباشد، اهداف آن به خوبی تعریف و به نحو مناسبی اجرا نشوند به مقصود اصلی، یعنی اثربخشی سازمان و عملکرد مطلوب آن محقق نخواهد شد.

تعریف فرایند (مطابق ISO ۹۰۰۰):

مجموعه‌ای از فعالیتهای مرتبط و تأثیرگذار که ورودی‌ها را به خروجی تبدیل می‌کند. نکته قابل توجه این است که ورودی‌های یک فرایند عموماً خروجی‌های فرایند دیگر هستند و فرآیندهای داخل یک سازمان معمولاً جهت ایجاد ارزش افزوده و تحت شرایط کنترل شده طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند. همچنین فرآیندی که به دلایل اقتصادی یا سهولت انطباق محصول آن قابل تصدیق نباشد، غالباً به عنوان فرایند ویژه نامیده می‌شود. ورودی‌ها یا خروجی‌ها ممکن است ملموس یا ناملموس باشد. از جمله دیگر مثالهایی از ورودیها یا خروجیها ممکن است شامل تجهیزات، مواد، اجزاء انرژی، اطلاعات و منابع مالی باشد. برای انجام دادن

فعالیت‌ها مطابق فرایند مناسب، باید منابعی تخصیص داده شود. اندازه‌گیری سیستم می‌تواند برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به منظور تحلیل اجرای فرایند و مشخصات ورودی و خروجی استفاده شود.



تعریف، انجام، اداره و بهبود مداوم کارایی فرآیندها همراه با مدیریت تعاملات این فرآیندها برای سیستم مدیریت سازمان امری ضروری و حیاتی است. ارزیابی بهره‌وری، اثربخشی به‌علاوه کارایی فرایند بهترین رویکرد جهت پایش مستمر عملکرد آن فرایند است. اثربخشی و کارایی فرایندی می‌تواند بر مبنای یک مقیاس بلوغ تعیین و ارزیابی شده باشد. یک مزیت این دیدگاه این است که نتایج می‌تواند در هر زمان برای رسیدن به اهداف بهبود مستند و پایش شوند.

فرآیندهای کسب‌وکار:

هر فرایند کسب‌وکار عبارت است از مجموعه‌ای از مراحل که برای تولید یک محصول یا خدمت طراحی شده است. برخی از فرآیندها ممکن است تماماً در یک وظیفه سازماندهی خلاصه شوند. (مانند فرایند برنامه نویسی)

انجام بیشتر فرآیندها (مانند دریافت سفارش و تولید محصول) در گرو ارتباط متقابل واحدهای مختلف سازمانی است.

جنبه‌های فرایند:

داده‌ها

ستانده‌ها

ارزش افزوده (آنچه باید ارزش افزوده را برای یکی از طرف‌های ذی‌نفع افزایش دهد).

طرف‌های ذی‌نفع

(افراد یا سازمان‌هایی هستند که به موفقیت کار ذی‌نفع هستند. طرف‌های ذی‌نفع معمولاً مشتریان، تأمین‌کنندگان، سهامداران و کارکنان را تشکیل می‌دهند).

تقسیم‌بندی فرآیندها

فرآیندهای مدیریتی یا MOP

(عناصر مدیریتی یا تصمیم‌گیری که متوسط مدیریت عالی صورت می‌پذیرد).

فرآیندهای اصلی یا COR

(فرآیندهایی که برای به‌وجود آوردن ارزش افزوده در سازمان اجرا می‌شوند، این فرآیندها به فرآیندهای مشتری‌مدار معروف هستند).

فرآیندهای پشتیبانی یا SOP

(فرآیندهایی که برای پشتیبانی به منظور اجرای اثربخش فرآیندهای اصلی ضرورت دارند).

فرآیندهای برون‌سپاری شده یا OSP

فرآیندهای یک سیستم مدیریتی پیاده‌شده در سازمان



چرخه P-D-C-A در نگرش فرآیندی

چرخه «طراحی - انجام - بررسی - عمل» ابتدا توسط والتر شوهرت در سال‌های ۱۹۲۰ ایجاد شد و به وسیله ادواردز دمنینگ عمومی شد. به همین دلیل اغلب منسوب به چرخه دمنینگ است. مفهوم PDCA چیزی است که حاضر در همه ناحیه‌ها در زندگی شخصی ما است و دائم استفاده می‌شود، رسمی یا غیر رسمی و به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه در هر چیزی که ما انجام می‌دهیم.

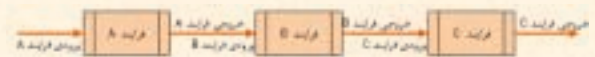


در مفهوم یک سیستم مدیریتی، PDCA یک چرخه پویا است که می‌تواند در هر فرآیند سازمانی و در تمامی فرآیندهای سیستم مستقر شده باشد. این موضوع با طراحی، اجرا، کنترل و بهبود مستمر از تحقق محصول و دیگر فرآیندهای سیستم مدیریتی وابسته شده است. نگهداری و بهبود مداوم قابلیت فرآیند، می‌تواند به وسیله به کار بردن مفهوم PDCA در تمامی سطوح سازمان حاصل شود. این امر در سطح بالای فرآیندهای استراتژیک یا فرآیندهای عملیاتی ساده اجرا شده و به عنوان درک فرآیند از یک بخش از محصول به کار میرود.

کاربرد چرخه PDCA را برای فرآیندها مطابق زیر است:
 طرح: برقرار ساختن هدف و فرآیندهای لازم برای ارائه نتایج در مطابقت با نیازهای مشتری و خط مشی‌های سازمان‌ها.
 انجام: اجرای فرآیندها.
 بررسی: پایش و اندازه‌گیری فرآیندها و محصولات با خط مشی سازمان، هدف و الزامات برای محصول و گزارش.
 اقدام: اتخاذ اقدامات برای عملکرد فرآیند بهبود مداوم.

مفهوم رویکرد سیستمی در نگرش فرآیندی

دومین اصل مهم مدیریت سازمان، که ارتباط نزدیک با نگرش فرآیندی دارد رویکرد سیستمی در مدیریت است، که «شناخت، درک و اداره کردن فرآیندهای وابسته به هم به عنوان سهم یک سیستم برای سازماندهی موثر و کارایی در دست یافتن به این اهداف» را توضیح می‌دهد. در این زمینه، سیستم‌های مدیریت تنها در بردارنده فرآیندهای تحقق محصول نیستند، (آن‌هایی که مستقیماً در ساختار محصولات یا ارائه خدمات سهیم هستند)، همچنین مدیریت فراوان، پایش و اندازه‌گیری فرآیندها، از قبیل مدیریت منابع، ارتباطات، ممیزی داخلی، بازنگری مدیریت و دیگر فرآیندها. این موضوع به طور خلاصه در شکل ۳ نشان داده شده است، که این امر جزئیات بیشتری از انواع فرآیندها را می‌سازد.
 فرآیندهای منحصربه‌فرد به ندرت در جداسازی رخ می‌دهند. خروجی‌های یک فرآیند عموماً بخشی از ورودی‌های فرآیندهای بعدی‌اند، که در شکل زیر نمایش داده شده‌اند. فعل و انفعالات میان فرآیندهای سازمانی اغلب می‌تواند پیچیده باشد.



به کار بستن نگرش فرآیندی در یک سازمان

وقتی که این نگرش در یک سیستم مدیریت استفاده می‌شود، موارد ذیل از اهمیت بسزایی برخوردار است:

- درک و فهمیدن نیازمندی‌ها
- نیاز به در نظر گرفتن فرآیندها در دوره ارزش افزوده
- کسب نتایج اثر بخشی و کارایی فرآیند
- بهبود مستمر فرآیند بر اساس اندازه‌گیری
- نحوه جاری سازی این نگرش در سطح سازمان به ترتیب بر اساس مراحل ذیل است:
- شناخت فرآیندها
- مدل سازی و ایجاد فرآیندها
- استقرار و اجرای فرآیندها
- پایش فرآیندها
- بهبود و بهینه‌سازی فرآیندها

الف- شناخت فرآیندهای مورد نیاز برای سیستم مدیریت و کاربرد آن در سراسر سازمان

شناسایی فرآیندهای مورد نیاز سیستم کیفیت
 تعیین مشتری هر فرآیند، اعم از داخلی یا خارجی
 تعیین نیازمندی‌های این مشتریان
 تعیین صاحب / مسئول این فرآیند
 چه تعداد از این فرآیندها باید بیرون از سازمان انجام شود؟ (برون سپاری)

تعیین ورودی و خروجی هر فرآیند
ب- مدل سازی و ایجاد فرآیندها (تعیین ترتیب و ارتباط بین فرآیندها)
 تعیین جریان کلی فرآیندها
 تعیین شکل نمایش آن‌ها (نمایش جریان هر فرآیند به صورت فلو چارت یا ...)

تعیین ارتباط بین فرآیندها

ج- پایش فرآیندها و تعیین معیارها و روش‌هایی جهت اطمینان از عملکرد موثر فرآیندها

تعیین مشخصه‌های یک فرآیند
 شناسایی معیارهای پایش و اندازه‌گیری عملکرد فرآیند
 همسوسازی و یکپارچه‌سازی معیارها با سیستم مدیریت سازمان
 ارزیابی اقتصادی (هزینه، زمان، اتلاف و ...) کنترل عملکرد فرآیندها
 انتخاب معیارها

تعیین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

د- اطمینان از در دسترس بودن منابع و اطلاعات لازم جهت اجرا و پایش فرآیندها

تعیین منابع مورد نیاز برای هر فرآیند
 تعیین بسترها و کانال‌های ارتباطی
 تعیین چگونگی تامین اطلاعات داخلی و خارجی مورد نیاز فرآیند
 تعیین نحوه بازخورد یک فرآیند
 تعیین نوع و ماهیت اطلاعات مورد نیاز جهت جمع‌آوری

تعیین سوابق مورد نیاز جهت نگهداری

ه- اندازه‌گیری، پایش و تجزیه و تحلیل فرآیندها

تعیین چگونگی نظارت و کنترل عملکرد فرآیند (قابلیت فرآیند، رضایت مشتری)
 تعیین ابزارهای اندازه‌گیری
 تعیین روش تجزیه و تحلیل اطلاعات (تکنیک‌های آماری)
 استخراج نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل
 بهبود و بهینه‌سازی فرآیندها (اقدامات لازم جهت دستیابی به نتایج برنامه‌ریزی شده و بهبود مستمر)
 چگونه می‌توانیم فرآیند را بهبود ببخشیم؟
 چه اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه‌ای مورد نیاز است؟
 آیا این اقدامات اصلاحی / پیشگیرانه اجرا شده‌اند؟
 آیا آن‌ها موثر هستند؟

مستندسازی فرآیندها

هر سازمانی بایستی مشخص کند که فرآیندها بر مبنای الزامات مشتریان، الزامات قانونی، ماهیت فعالیت آنان و تمامی استراتژی‌های مشارکتی مستندسازی می‌شوند.
 عوامل زیر در تعیین گستره مستندسازی فرآیندها در یک سازمان نقش دارند:
 کیفیت محصول سازمان
 رضایت مشتریان
 الزامات قانونی
 ریسک اقتصادی
 اثربخشی و کارایی
 صلاحیت پرسنل
 پیچیدگی فرآیندها

در مستندسازی فرآیندها روش‌های مختلفی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد از قبیل: نمایش‌های گرافیکی، زیرساخت‌های مکتوب، چک‌لیست‌ها، فلوچارت‌ها، رسانه‌های دیداری یا روش‌های الکترونیکی مطابقت فرآیند با برنامه‌های استراتژیک سازمان
 همان‌گونه که عدم وجود یک برنامه جامع استراتژیک در سازمان باعث افت عملکرد مجموعه شده و در نهایت اثربخشی مجموعه را کاهش می‌دهد، به همان ترتیب عدم به کارگیری صحیح برنامه استراتژیک در کل سازمان نیز اثرات مخربی در سازمان به جا می‌گذارد، لذا در فرآیندهای سازمان نیز به عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده سازمان، باید برنامه‌های استراتژیک به صورت مناسب درک و جاری گردیده و این اطمینان حاصل شود که فرآیند از نظر مطابقت با اهداف و برنامه‌های استراتژیک سازمان، تحت کنترل است.

نتیجه

شرط مقدم مدیریت فرآیندها، ایجاد بینش و نگرش فرآیندی در کل سازمان است و این مقوله، وقت و هزینه زیادی می‌طلبد. ولی هیچ راه میانبر دیگری وجود ندارد. سازمانی بدون نگرش فرآیندی مشترک، مثل ساختن خانه‌ای بدون پی خوب است. به نوبه خود شرط مقدم ایجاد یک نگرش مشترک و مستحکم، حمایت، هدایت و همکاری کلیه سطوح مدیریتی سازمان است، که خود را در استراتژی تغییر کسب‌وکار منطبق بر ایده تاملین هرچه بیشتر و بهتر نیازهای شناخته شده و ناشناس مشتری در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه ممکن از یک سو و انجام فرآیندهای ارزش‌افزا و درآمدزا از سوی دیگر باید نشان دهد.

منابع:

حقیقی، محمد و موجودی، امین، مدیریت فرآیند کسب‌وکار: روش‌های اجرا و عوامل کلیدی موفقیت برای اجرای روش‌ها، ۱۳۸۸
 جی کاب، چارلز: مدیریت فرآیندهای سازمان، یکپارچه‌سازی سیستم‌ها به منظور مطابقت با استانداردها و تعالی کسب‌وکار، ترجمه عباس سقایی، علی کیا، فرزام نهم، ناشر: انتشارات اندیشه‌سرا، ۱۳۹۱
 رحمان‌زاده هروی، محمد، مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار: بهبود یا مهندسی مجدد، ناشر: شرکت مهندسی سامانه‌ساز فردا، تهران ۱۳۸۶
 فتح‌اله، مهدی، پیکره عمومی دانش مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار، نشر بازرگانی، ۱۳۹۱
 استاندارد ISO ۹۰۰۱:۲۰۰۸، استاندارد سیستم مدیریت کیفیت

مرد در تبعید

شرمین نادری

ماه اردیبهشت سالگرد زاده شدن دکتر محمد مصدق است، همان که نفت را از جنگال شیر بریتانیا در آورد و قصه‌های عجیب بهاری را به زمستان‌های سرد ایران آورد و بالاخره هم در تابستانی ریشه‌اش را زدند و صدایش را خاموش کردند. این بهار، این اردیبهشت از داستان زندگی‌اش کمی بشنویم.



۱- «آری تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت را ملی کرده‌ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراتورهای جهان را از این مملکت برچیده‌ام و پنجه در پنجه‌ی مخوف‌ترین سازمان‌های استعماری و جاسوسی بین‌المللی درافکنده‌ام و به قیمت از بین رفتن خود و خانواده‌ام و به قیمت جان و عرض و مال. خداوند مرا توفیق فرمود تا با همت و اراده‌ی مردم آزاده‌ی این مملکت، بساط این دستگاه وحشت‌انگیز را درنوردم. ...»

قسمتی از سلسله دفاعیات محمد مصدق در جلسه‌ی سی و چهارم دادگاه نظامی

۲- خانواده‌ی دکتر محمد مصدق از بیخ و بن قجری بودند. پدرش میرزا هدایت‌الله مشهور به «وزیر دفتر» از رجال عهد ناصری و مادرش ملک تاج خانم (نجم‌السلطنه) دختر عبدالحمید میرزا فرمانفرما و نوه‌ی عباس میرزا ولیعهد و نایب‌السلطنه فتحعلی شاه بود؛ همان ولیعهدی که برعکس تمام فامیل کوچک و بزرگش برای ایران دل سوزاند و خدا می‌داند چرا به جای محمدشاه، روی تخت نشست و جانش را به شما داد. می‌گویند میرزا هدایت‌الله پدر دکتر مصدق، مدت زیادی در سمت «رئیس دفتر استیفا» امور مربوط به وزارت مالیه را در عهد ناصری به عهده داشت و البته قبل از این که کوچک‌ترین پسرش ۱۰ ساله شود، فوت کرد. کوچک‌ترین پسر هم همین دکتر محمد مصدق بود، که ناصرالدین شاه به او لقب «مصدق‌السلطنه» داد.

۳- «میرزا محمدخان مصدق‌السلطنه را امروز از طرف شغل مستوفی و محاسب خراسان گویند، لیکن رتبه و حسب و نسب و استعداد و هوش و فضل و حسابدانی این طفل یک شبه ره ۱۰۰ ساله می‌رود. این جوان به قدری آداب‌دان و قاعده‌پرداز است، که هیچ مزیدی بر آن متصور نیست. گفتار و رفتار و پذیرایی و احتراماتش در حق مردم طوری است که خود او از متانت و بزرگی خارج نمی‌شود، ولی بدون تزویر و ریا کمال ادب را درباره‌ی مردمان به جای می‌آورد و در نهایت مرتبه انسانیت و خوش‌خلقی و تواضع را سرمشق خود قرار داده است.»

افضل‌الملک نویسنده‌ی کتاب افضل‌التواریخ نوشته‌شده در دوره‌ی مظفرالدین شاه قجر

۴- مصدق‌السلطنه، در دوره‌ی قاجار از منشی‌گری مخصوص مظفرالدین شاه تا مستوفی‌گری خراسان و شرکت در اولین انتخابات مجلس تهران را تجربه کرد.

بعد هم وقتی علوم و فنون دانشگاه‌های ایران در دوره‌ی قاجار، که همان دارالفنون خاک‌خورده و آشنای خودمان بود، راضی‌اش نکرد، برای ادامه‌ی تحصیل به پاریس و سوئیس رفت. تاریخش را هم ۱۲۸۷ شمسی گفته‌اند؛

همین هم بود که از روز اول مخالفت با رضاخان را شروع کرد و رضاخان هم که از آن بیدها نبود که بلرزد، اول خانه‌نشینی کرد و بعد هم فرستادش زندان. گرچه خبر نداشت این شروع کار است، چون جوان ۲۶ ساله‌ای که اعتبارش برای رفتن به مجلس کم بود، حالا تبدیل به عقاب پیری شده بود که داشت برای دست و پنجه نرم کردن با شرایط سیاسی، چنگالش را تیز می‌کرد؛ عقاب پیر ۶۰ ساله در ۱۳۲۰.

۷- ۱۳۳۲/۲/۲۳ - روزنامه‌ی اطلاعات «دکتر مصدق به سه سال حبس با کار محکوم شد.

ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر دیروز دادگاه نظامی که برای رسیدگی به اتهامات آقایان دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی تشکیل شده بود، بعد از ۲۶ ساعت جلسه رسیدگی رای خود را صادر کرد. محکومیت دکتر مصدق با رعایت کبر سن و محکومیت سرتیپ ریاحی به عنوان مباشرت با دکتر مصدق تعیین گردیده و مدت زمان آنان از تاریخ بازداشت محسوب خواهد شد.»

۸- اما داستان نماینده شدن دکتر مصدق در دوره‌ی ۱۲ مجلس، داستان مخالفت‌های قوام با او، داستان مخالفت او با قرارداد نفت ۱۹۳۳ که ۶۰ سال حق مسلم ایران را از نفت خودش ساقط کرده بود، از آن قصه‌هایی است که ۱۰۰ بار باید نوشته شود و در صد صفحه این که دکتر را به زندان فرستادند و بعد هم تبعید کردند، به خاطر من و توست.

۹- ۱۳۸۷/۶/۲۶

خبرگزاری میراث فرهنگی - گروه میراث فرهنگی «دبیر کمیته نام‌گذاری شورای شهر تهران از منتفی شدن طرح نام‌گذاری خیابان دکتر مصدق در کمیسیون کارشناسی، کمیته نام‌گذاری شورای شهر تهران خبر داد. نام‌گذاری خیابان دکتر مصدق در حالی بار دیگر در صحن شورا بی‌نتیجه باقی می‌ماند که در این دوره برخی اعضای شورای شهر امیدوار بودند که طرح نام‌گذاری به صحن علنی بیاید و رای آورد.»

سایت حقوق ایران

فهرست منابع

- ۱- روزنامه‌ی اطلاعات ۸۰ سال، جلد اول ۱۳۰۴-۱۳۵۷
- ۲- خاطرات و تألمات، نوشته دکتر محمد مصدق
- ۳- خواب آشفته نفت، نوشته محمدعلی موحد
- ۴- در خلوت مصدق، نوشته شیرین سمیعی، نشر ثالث
- ۵- سایت مطالعات تاریخ معاصر ایران
- ۶- سایت فرهنگسرا
- ۷- سایت فراور
- ۸- سایت خبرگزاری میراث فرهنگی
- ۹- سایت حقوق ایران
- ۱۰- آسیب‌شناسی یک شکست، نوشته دکتر علی میرنظروس
- ۱۱- خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق به اهتمام غلامحسین مصدق، نشر علمی
- ۱۲- معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق، نوشته محمدجعفر قناتی، نشر قطره

یادی از سیمین ادبیات ایران

او که ماندگار شد...

اردیبهشت یکی از ماه‌های مورد علاقه اهالی قلم و به‌ویژه شاعران است. همچنین با شنیدن نام این ماه، بسیاری یاد شیراز و عطر بهار نارنج‌هایش می‌افتند، که هر انسانی را مجذوب و شیفته خودش می‌کند. این بار می‌خواهیم سری به شیراز بزنیم و درباره یکی از اهالی ادبیاتش صحبت کنیم. کسی که در دهه بیست شروع به داستان‌نویسی کرد؛ زمانی که هیچ زنی به شکل حرفه‌ای در این حوزه فعالیت نداشت. در واقع او با قدم گذاشتن در این راه و با خلق آثار برتر، انگیزه و شوق نوشتن را در بسیاری از زنان ایرانی زنده کرد و باعث شد که زمینه حضور بانوان در بخش داستان‌نویسی فراهم شود؛ سیمین دانشور.



منتشر شده بود. دانشور بعدها گفت که علاقه چندانی به این مجموعه داستان ندارد و اجازه چاپ مجدد آن را نداد. اهمیت این اثر بیشتر به دلیل مطرح شدن نام یک زن ایرانی به عنوان داستان‌نویس است.

یک سال بعد، او موفق شد با ارائه رساله «علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم» دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت کند. او در همین سال دو کتاب «سرباز شکلاتی» اثر جرج برنادر شاو و «دشمنان» از آنتوان چخوف را به فارسی برگرداند تا در کنار نوشتن، به کار ترجمه آثار مشهور خارجی نیز بپردازد. سه سال بعد موفق می‌شود بورس تحصیلی بگیرد و به دانشگاه استنفورد در آمریکا برود. آن‌جا دو سال در رشته زیبایی‌شناسی به تحصیل پرداخت و زیر نظر «والاس استنجر» و «فیل پریک» داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی را آموخت. در همین سال است که دو داستان کوتاه انگلیسی از او در مجله ادبی «پاسیفیک اسپکتاتور» و کتاب داستان‌های استنفورد به چاپ می‌رسد. پس از گذراندن این دوره‌های آموزشی، به تهران برمی‌گردد و در هنرستان هنرهای زیبا به تدریس می‌پردازد. البته در کنار آموزش به هنرجوها، کار ترجمه خود را نیز ادامه می‌دهد و آثاری مانند «بئاتریس» از آرتور شنیسلر، «کمدی انسانی» از ویلیام سارویان و «داغ ننگ» از ناتانائیل هائورن را به فارسی برمی‌گرداند.

هرچند اولین کتاب او در جوانی و خیلی زود منتشر شد، اما این موضوع نتوانست او را به نویسنده‌ای پرکار تبدیل کند. او به ترجمه آثار مشهور خارجی علاقه بیشتری نشان می‌داد. به هر حال پس از سیزده سال، دومین اثر او که مجموعه داستانی به نام «شهری چون بهشت» بود، به چاپ رسید. با توجه به علاقه و میل به خواندن آثار خارجی، به نظر می‌رسد او در این دوران تحت تاثیر نویسندگان بزرگ خارجی مانند «اوهنری» بوده و موفقیت نسبی این اثر هم به دلیل بهره بردن از شیوه نگارش و طرح‌هایی شبیه به آثار اوهنری است.

در هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ در شهر شیراز و در خانواده‌ای تحصیلکرده و فرهنگی به دنیا آمد. پدرش، محمدعلی دانشور (احیاءالسلطنه) پزشک و اهل گروه حافظیون بود؛ گروهی که برای زنده نگه داشتن یاد حافظ، شاعر گرانقدر شیرازی شب‌های جمعه بر مزارش جمع می‌شدند و آثارش را می‌خواندند. مادرش، قمرالسلطنه حکمت هم از اهالی شعر و هنر و مدیر هنرستان دخترانه هنرهای زیبا در شیراز بود. دانشور تحصیلات مقدماتی را در شهر خودش گذراند و مدرک دیپلم خود را از مدرسه انگلیسی‌مهرآئین دریافت کرد. او برای ادامه تحصیلاتش در رشته ادبیات فارسی به تهران آمد و وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. در همین دوران و در سال ۱۳۲۰ است که او پدرش را از دست می‌دهد. با وجود داشتن وضع مالی خوب، دانشور در تهران شروع به کار می‌کند و برای رادیو تهران و روزنامه ایران مطلب و مقاله می‌نویسد؛ البته این متن‌ها با نام مستعار «شیرازی بی‌نام» منتشر می‌شد. در این دوره او معاونت اداره تبلیغات خارجی را نیز بر عهده داشت. این نویسنده بزرگ، نوشتن را در سن شانزده سالگی و با مقاله «زمستان بی‌شبهات به زندگی ما نیست» که در یک روزنامه محلی به چاپ رسید، شروع کرد. سال‌ها بعد با تشویق صادق هدایت و همچنین استاد راهنمای خود، فاطمه سیاح نوشتن را به شکل جدی‌تر پی گرفت.

در سال ۱۳۲۷ دو اتفاق مهم در زندگی دانشور شکل می‌گیرد، که تاثیر بسیاری بر زندگی و حرفه او می‌گذارد. اولین اتفاق دیدار با جلال آل احمد است؛ او در حالی که از اصفهان به تهران برمی‌گشت، در اتوبوس با جلال آشنا شد و پس از دو سال با او ازدواج کرد. اتفاق دوم منتشر شدن اولین اثر داستانی او به نام «آتش خاموش» بود. با چاپ شدن این مجموعه داستان کوتاه، دانشور اولین زن ایرانی شد که به طور جدی و حرفه‌ای در راه نویسندگی قدم می‌گذارد. این مجموعه شامل شانزده داستان کوتاه بود، که پیش از آن در نشریه‌هایی چون کیان، بانو و امید

اما مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر سیمین دانشور «سووشون» است، که در سال ۱۳۴۸ توسط انتشارات خوارزمی وارد بازار کتاب شد. او این رمان را زمانی نوشته که دو تجربه در انتشار مجموعه داستان کوتاه داشته، سال‌ها در این حوزه آموزش دیده و با افراد معروف و صاحب سبک آشنا شده بود. تمام این‌ها نشان از پختگی او در زمینه نوشتن حکایت دارد؛ همان ویژگی و نکته‌ای که با خواندن سووشون می‌توان فهمید. این اثر با استقبال و فروش بسیار خوبی هم همراه شد و عامه مردم با آن ارتباط برقرار کردند. سووشون یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های فارسی است و تاکنون به هفده زبان ترجمه شده. این رمان با آن که طرح اصلی‌اش از وقایع تاریخی کشورمان گرفته شده، اما به طور دقیق به اتفاق‌ها نمی‌پردازد؛ در واقع تمامی حوادث و جریان‌ات مهم کشور در زمان رضاخان، در این کتاب نوشته نشده. از طرفی با وجود نشانه‌ها و اشاره‌هایی که در اثر آمده، نمی‌توان گفت که این رمان سمبلیک و نمادین است. عده‌ای عقیده دارند که از این اثر دو برداشت می‌توان داشت، که یکی سطحی و دیگری عمیق است، با این حال کسی که به مفهوم دوم آن برسد معنی سطحی را از یاد نمی‌برد.

دانشور پس از این اثر موفق خود، آثار دیگری نیز نوشت و به چاپ رساند، اما هیچ‌کدام به آن درجه از اهمیت و شهرت «سووشون» نرسیدند؛ کتاب‌هایی مانند «به کی سلام کنم؟»، «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان». او در سال ۱۳۸۲ موفق شد برای یک عمر تلاش در عرصه نوشتن جایزه «مهرگان ادب» را دریافت کند، هرچند خودش به دلیل بیماری نتوانست در آن جشن حضور پیدا کند. او یادداشتی درباره این جایزه نوشت، که در بخشی از آن می‌گوید: «اگر بعد از وفات تربیت ما را در زمین بجویند و مزار ما را در سینه صاحب‌دلان بجویند و بیابند، یا به عبارت ساده‌تر پس از مرگ ماندگار باشیم، کاری کرده‌ایم.» او در سال ۱۳۹۰ پس از گذراندن یک دوره بیماری آنفلوآنزا، در سن ۹۰ سالگی و در خانه‌اش در تهران درگذشت.

بررسی شانس قهرمانی پنج تیم بالای جدول لیگ برتر قهرمان می شوند یا نه؟

چیا فوادی

حالا که لیگ برتر به ایستگاه‌های پایانی خود نزدیک شده است، بررسی احتمالات تیم قهرمان می‌تواند جذاب و خواندنی باشد. اگر به جدول نگاه کنید، ممکن است تیمی مثل ذوب‌آهن هم روی کاغذ شانس قهرمانی داشته باشد، اما شانس قهرمانی برای تیم‌های نفت تهران، تراکتورسازی تبریز، سپاهان اصفهان، فولاد خوزستان و استقلال تهران بیشتر است.

نفت



شانس اول قهرمانی طبق جدول لیگ برتر شاگردان منصوریان هستند. زردپوشان تهرانی در پنج بازی آخر خود دو بار میزبان هستند و سه بار هم باید به خانه حریفان خود بروند. ضمن این‌که نفتی‌ها دو بازی هم باید در لیگ قهرمانان آسیا انجام دهند که با احتساب همه این‌ها، صدرنشین فعلی لیگ برتر در

زمانی کمتر از یک ماه باید هفت بار مسابقه بدهد و این یعنی تقریباً هر چهار روز یک بازی. نفتی‌ها در اولین مصاف خود در هفته بیست‌وششم در فولادشهر به مصاف ذوب‌آهنی رفتند که خودش نیم‌نگاهی نه به قهرمانی که به کسب سهمیه لیگ قهرمانان آسیا برای فصل بعد دارد. نفت در هفته بیست‌وهفتم در خانه میزبان ملوان متحول شده که البته در یکی دو هفته اخیر باز هم افت داشته است. پدیده در هفته بیست‌وهفتم میزبان نفت است تا یک هفته به پایان لیگ باز هم نفت در خانه میزبان صباي نه‌چندان روی فرم باشد. و حالا رسیدیم به روز آخر لیگ که شاید فینال و کل بازی‌های یک فصل رقابت هيجان‌انگيز باشد؛ یادگار امام تبریز پذیرای شاگردان منصوریان مقابل ارتش سرخ تبریز خواهد بود. پیکاری که شاید قهرمان را در همان‌جا مشخص کند و البته شاید امتیازات در جدول طوری پیش برود که مساوی شدن این دو تیم قهرمان دیگری را در روز آخر رو کند.

سپاهان اصفهان

دیگر همه می‌دانند این زردپوشان اصفهانی هستند که متخصص در آوردن بازی‌ها در هفته‌های آخر لیگ‌اند. سپاهان هر چند در طول فصل بالا و پایین دارد، اما روزهای پایانی لیگ را آن‌قدر با برنامه و با سیاست پیش می‌برد که تن رقبای بالایی از همین حالا از خیز شاگردان فرکی برای گرفتن مقام اولی می‌لرزد. پرافتخارترین تیم لیگ برتر نسبت به رقبای اصلی، برنامه‌ای به‌مراتب سبک‌تر و راحت‌تر برای جبران امتیازهای از دست‌رفته دارد. آن‌ها به غیر از بازی با پرسپولیس در آزادی که برگزار شد، چهار بازی دیگر در لیگ دارند که می‌توانند با جمع کردن کامل امتیازات دل‌خوش به اتفاقات روز پایانی شوند و از مساوی نفت و تراکتور در یادگار امام، جام را از دست رقبا بیاورند. سپاهان بعد از بازی با پرسپولیس متزلزل در لیگ، میزبان راه‌آهن ته‌جدولی خواهد بود و پس از آن در اهواز به مصاف استقلال نه‌چندان آماده این شهر می‌رود. نفت مسجد سلیمان حریف بعدی سپاهان است که شاید با استفاده از امتیاز میزبانی هم نتواند لقمه گلوگیری برای این تیم باشد. و بالاخره روز آخر در فولادشهر این تیم پذیرای شاگردان مجید جلالی است. قبول کنید اگر سپاهان در این بازی برای قهرمانی سه امتیاز بخواهد، سایپا تیمی نیست که بتواند دیگر رقیب را خوشحال کند.



تیم فوتبال سپاهان اصفهان

۲۴

فولادخوزستان



قهرمان فصل گذشته لیگ برتر با شروع بازی‌هایش در لیگ قهرمانان این فصل آسیا، امتیازات مهمی را از دست داد تا حتی سروصدای اعتراض دوآتشه‌های اهوازی آرامش اسکوچیچ را به هم بزند. مرد و مردانه کسی نباید از فولاد انتظار قهرمانی داشته باشد، زیرا این تیم با از دست دادن یاران سربازش ضربه جبران‌ناپذیری خورده است. فولادی‌ها با این وجود در این یکی دو هفته باز هم راه افتادند و ناامید از قهرمانی نشده‌اند. قرمزپوشان خوزستان هم مانند نفت و تراکتور روزهای سختی را در ادامه لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا خواهند داشت. آن‌ها این هفته در مصافی نه‌چندان سخت میزبان نفت مسجد سلیمان هستند و پس از آن باز هم در اهواز میزبان ذوب‌آهن اصفهان هستند. بعد از این دو بازی خانگی، فولاد به انزلی می‌رود تا عیار تیمش را برای قهرمانی در این جدال دشوار بسنجد. هفته بیست‌ونهم آن‌ها در اهواز باز هم کار دشواری ندارند و میزبان پدیده هستند. روز آخر هم در قم به مصاف صبا می‌روند.

اما آبی‌های پایتخت؛ تیمی که در این سال‌ها همواره تنور قهرمانی لیگ را در هفته‌های پایانی گرم نگه داشته است. اگر امیر قلعه‌نویی سر قولش با هواداران این تیم باشد، باید آن‌ها را قهرمان این فصل لیگ برتر دانست. اما از شما چه پنهان که خوش‌بین‌های دو آتشه استقلالی هم شانس زیادی را برای قهرمانی تیم محبوبشان قائل نیستند. کافی است فقط نگاهی به دو بازی پایانی این تیم داشته باشیم؛ تراکتورسازی و پرسپولیس. هر چند هر دو بازی در آزادی است، اما در هر دو مصاف تیمی از ورزشگاه آرزویی غیر از باخت پسران آبی را نخواهند داشت. استقلالی‌ها این هفته هم به انزلی می‌روند تا این بار فیروز کریمی سربزنه‌ای یقه شاگردان سابقش را بگیرد و مشت‌های قلعه‌نویی را باز کند. هفته ۲۷ و ۲۸ هم به ترتیب پدیده و صبا مقابل آبی‌ها صف‌آرایی خواهند کرد. با تمام این حرف‌ها استقلال روی کاغذ شانس قهرمانی دارد، هر چند که در این روزها آرزوی هواداران استقلال چیز دیگری است؛ نباختن به پرسپولیس در روز پایانی لیگ و شاید هم کسب سهمیه لیگ قهرمانان برای فصل بعد.

استقلال تهران



نگاهی به پربازدیدکننده‌ترین موزه‌های دنیا

پرسه در تونل تاریخ

۲۸ اردیبهشت ماه روز جهانی موزه، همان مکانی است که همیشه در وقت فراغت، رفتن به آن جز برنامه‌های ضروری است و گاهی نوبت به انجام این امر ضروری نمی‌رسد. موزه‌ها یکی از جذاب‌ترین مکان‌های دیدنی هر کشور به شمار می‌روند، چراکه با صرف زمان در این مکان می‌توان اطلاعات زیادی دربارهٔ فرهنگ، هنر و تاریخ آن کشور به دست آورد. تنوع موزه‌ها از موضوع تا نوع ساختمان و اشیای مهمی که می‌توان در آن پیدا کرد، قابل بررسی است. در این میان نام بسیاری از موزه‌ها شاید به گوش هم نرسیده باشد اما موزه‌هایی هستند که با پوشش جامعی از اطلاعات جهان، توانسته‌اند لقب پربازدیدکننده‌ترین موزه‌ها را به خود اختصاص دهند.



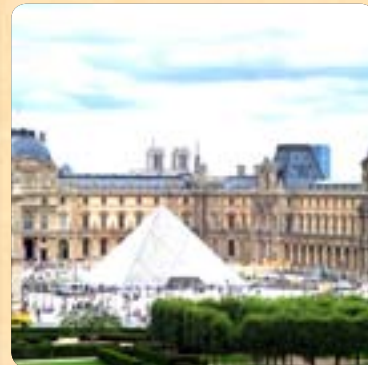
موزه ملی تاریخ طبیعی اسمیسونین واشنگتن

تعداد بازدیدکنندگان در سال: ۶۸۰۰۰۰۰
مجموعه‌ای بزرگ از فسیل دایناسورها، الماس‌ها و هرچه را که در تاریخ طبیعت جذاب به نظر می‌رسد، می‌توان در این موزه پیدا کرد. این موزه در سال ۲۰۱۰ صد سالگی خود را جشن گرفت.



موزه ملی هوا فضای اسمیسونین واشنگتن

تعداد بازدیدکنندگان در سال: ۸۳۰۰۰۰۰
این موزه در سال ۱۹۷۹ افتتاح شد و بسیاری هواپیماها و فضاپیماهای تاریخ پرواز را از هواپیمای برادران رایت گرفته تا نمونه‌ای از قمرهای مصنوعی، در آن می‌توان یافت.



موزه لوور پاریس

تعداد بازدیدکنندگان در سال: ۸۵۰۰۰۰۰
این مقام اول در تعداد بازدیدکننده سال‌هاست که متعلق به موزه لوور پاریس است. موزه لوور با داشتن بیش از ۳۵۰۰۰ شاهکار هنری، بهشت عاشقان هنر است.



موزه متروپولیتن هنر نیویورک

تعداد بازدیدکنندگان در سال: ۵۲۱۶۹۸۸



موزه بریتانیا در لندن

تعداد بازدیدکنندگان در سال: ۵۸۴۲۱۳۸

با وجود ۲،۵ مایل گالری و ۷ میلیون اشیای دیدنی، زمان بسیار زیادی برای بازدید از این موزه باید صرف کرد، به‌خصوص برای عبور از میان جمعیتی که برای دیدن سنگ روزتا و مرمهرهای الگین صف بسته‌اند.

سبد خرید

شهرزاد همتی

فصل لباس‌های خنک از راه رسید

فصل بهار این فرصت را به شما می‌دهد که انواع رنگ‌ها را به مجموعه رنگ لباس‌هایتان اضافه کنید و با فصل هماهنگ شوید. برای خوش تیپ شدن شما در فصل بهار، پیشنهادهایی داریم که بد نیست آن‌ها را هم گوشه ذهن‌تان داشته باشید تا این بهار خوش لباس‌تر از پارسال باشید.

فصل بهار که می‌شود، وقتش است که لباس‌های پشمی را توی چمدان بگذارید، چند قرص نفتالین لایه‌لای لباس‌ها بگذارید و آن‌ها را روانه انباری کنید. در این وقت‌ها است که ویتزین رنگارنگ لباس‌فروشی‌ها شما را وسوسه می‌کند که به خرید لباس بهاری بروید. اما قبل از این که برای خرید لباس بهاره راهی پاساژ و مراکز خرید شوید، حتما این نکات را به خاطر بسپارید...

برای کودکان لباس‌های چسبان نخرید: اگر دنبال خرید لباس بهاره برای کوچولوها هستید، یک قانون اصلی را باید رعایت کنید. آن هم این است که لباس‌هایی را برای بچه‌ها نخرید که خیلی تنگ و چسبان نباشند. لباس‌های تنگ و چسبان ناراحت هستند و بچه‌ها در آن احساس راحتی نخواهند کرد.

بچه‌ها را همراهتان به خرید ببرید: توصیه دوم ما این است که انتخاب لباس بهاره را به عهده خود بچه‌ها بگذارید. اگر برایشان انتخاب کمی دشوار است، دست کم چند لباس مناسب با رنگ‌های شاد و مورد توجه کودکان را انتخاب کنید و از او بخواهید از میان آن لباس‌ها، لباس مورد نظرش را برگزیند، البته خرید رفتن با کودکان هم اصول خاص خودش را دارد. مهم‌تر از همه این که کودک شما قبل از خرید بهاره باید خوب تغذیه کرده باشد و سیر باشد. بچه‌ها وقتی گرسنه‌اند هنگام خرید بهانه می‌گیرند و گریه راه می‌اندازند.

به کاتالوگ‌ها و وبسایت‌ها نگاهی بیندازید: قبل از این که برای خرید لباس بهاره به مراکز خرید بروید، پیش خودتان تعیین کنید که چه مدل لباسی، چه طرحی و چه رنگی را می‌خواهید. این کار باعث می‌شود که خرید شما هدفمند شود. حداقل از سردرگمی میان لباس‌ها نجات پیدا می‌کنید. شما حتی می‌توانید به کاتالوگ‌ها و وبسایت‌ها هم نگاه کنید و از میان مدل‌های موجود که در این فصل مد شده است، مدل دلخواهتان را انتخاب کنید.

جنس‌های خنک را برگزینید: به‌خصوص اگر دنبال خرید لباس بهاره برای کوچولوها هستید، توصیه ما این است که به جنس لباس توجه ویژه‌ای داشته باشید. جنس لباس در راحتی و احساس خنکی شما موثر است. بهترین جنس پارچه برای لباس بهاره، پارچه‌های نخی، کتان، پنبه‌ای و حتی ساتن است.

به رنگ‌ها دقت کنید: فصل بهار، فصل تازگی طبیعت است و همه جا پر از گل و گیاه می‌شود، بنابراین شما می‌توانید در انتخاب رنگ لباس‌تان هم از رنگ‌هایی که در طبیعت در این فصل زیاد هستند الهام بگیرید. برای پسر بچه‌ها می‌توانید یک شلوار خاکی یا بلوز سفید ست کنید. این ست لباس را آقایان با سنین بالاتر هم می‌توانند انتخاب کنند. برای دختر بچه‌ها هم رنگ‌های آبی تیره و سبز عالی است.



به جنس پارچه توجه کنید: برای خرید لباس بهاره، باید به جنس و دوخت پارچه لباس توجه ویژه‌ای داشته باشید. پارچه خوب، پارچه‌ای است که کیفیت آن در هر دو سوی آن یکسان باشد. به دنبال خرید پارچه‌هایی باشید که جنس نرمی داشته باشند و در عین حال مقاوم هم باشند. بهتر است برای خرید لباس بهاری دنبال پارچه‌های پلاستیکی نباشید، چون برای خنک بهاره بخريد: در فصل بهار چکمه و نیم‌چکمه تعطیل است بنابراین سری به کفش‌های روباز بهاری و صندل‌ها بزنید. کفش‌های تخت عروسکی گزینه خوبی برای بانوان هستند، که حتی می‌توانید آن را با جوراب‌های نازک زنانه ست کنید. برای آقایان هم صندل‌هایی که با بندهایی روی پا محکم می‌شوند برای موقعیت‌های غیررسمی بهاری مناسب‌اند. اگر علاقه‌ای به پوشیدن صندل ندارید، حداقل برای بهاراتان، یک جفت کفش پارچه‌ای خنک بخرید.

یک ژاکت سبک بخرید: چند سالی است که ژاکت‌های سبک با پیراهن‌های نخی زیرشان روانه فروشگاه‌ها در فصل بهار شده است. این ژاکت‌ها در رنگ‌های ملیح و زنانه با بلوز سفید زیرین، انتخاب مناسبی برای مهمانی‌های خودمانی و ساده در فصل بهار است، که احساس راحتی و آسایش بهار را در شما دوچندان می‌کند.

زیرپیراهن را فراموش نکنید: شاید به نظر شما خیلی پیش پا افتاده و ساده باشد ولی پوشیدن یک زیر پیراهن مناسب و نخی از این فصل به بعد ضروری است. پوشیدن یک زیر پیراهن مناسب باعث می‌شود که در ظهرهای بهاری که هوا گرم می‌شود، بوی بدی نگیرید. زیر پیراهن نخی به‌خصوص برای آقایانی که در روزهای گرم بهاری در هوای آزاد کار می‌کنند، بسیار ضروری است که کمک می‌کند هر روز نیاز به تعویض لباسشان نداشته باشند.



هم در آن‌ها احساس گرما خواهید کرد و هم به دلیل این که مواد مصنوعی با پوست سازگاری مناسبی ندارد، ممکن است دچار خارش شوید، به‌خصوص اگر برای خرید لباس برای بچه‌ها می‌روید، حتما به این نکته توجه کنید.

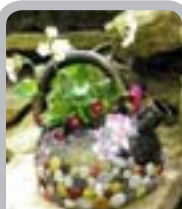


دور ریختنی‌های به درد بخور

المیرا حصارکی

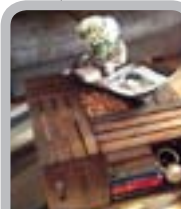
بهترین ایده‌ها زمانی به ذهن می‌رسد که آدم‌ها در فشار باشند؛ حالا این فشار می‌تواند فشار اقتصادی باشد یا فشار اجتماعی. به هر حال در همین مواقع است که ایده‌های عجیب و غریب به ذهن می‌رسد و خانه‌تان صاحب عجیب‌ترین دکوری‌ها و وسایل می‌شود. کافی است کمی هنر به خرج دهید و سلیقه داشته باشید. خوب به دنیای اطراف خود نگاه کنید. مثلاً چه زمانی فکر می‌کردید که شیشه‌های مربا و ترشی بتواند تا این اندازه کارایی داشته باشد؟ یا جعبه‌های میوه مگر پتانسیل تبدیل شدن به میز و جالباسی را دارد. این‌جا است که ما به کمک شما می‌آییم و ذهن شما را برای آماده کردن وسایل آماده می‌کنیم. با کمترین هزینه و انرژی می‌توانید به راحتی صاحب عجیب‌ترین‌ها باشید.

کتری‌های گلدانی



فصل زندگی از راه رسیده است و تراس یا حیاط کوچک خانه‌تان به گلدان‌های زیادی نیاز دارد. برای این کار لازم نیست شال و کلاه کنید و در بازار به دنبال گلدان‌های عجیب و گران‌قیمت بگردید، کافی است نگاهی به وسایل خانه بیندازید و از دور ریختنی‌ها کمک بگیرید. یک کتری کهنه بهترین گزینه است. کتری‌ها بعد از چند سالی دودزده، کهنه و پر از رسوب آب شهری می‌شوند و شما خیلی ساده چند سال یک بار جایگزین می‌کنید. این بار به جای این‌که کتری را دور بیندازید، از آن به عنوان یک گلدان عجیب استفاده کنید. مقداری سنگ و برچسب و چسب‌های اکلیل‌دار تنها چیزی است که شما نیاز دارید. سنگ‌ها را با چسب آهن بچسبانید و با تکیه بر تخیل خودتان طرح‌های عجیب روی آن ایجاد کنید. خاک در کتری بریزید و گل بکارید. گلدان عجیب اما ارزان شما آماده است.

جعبه‌های دوست‌داشتنی



بعد از مهمانی‌ها و عیددیدنی‌های عید حتماً چند جعبه میوه گوشهٔ بالکن یا حیاط انبار شده است. احتمالاً اولین ایده‌ای که به ذهن شما می‌رسد، دور انداختن آن‌ها است. اما اشتباه نکنید. این جعبه‌های دوست‌داشتنی در یک چشم به هم زدن می‌توانند تبدیل به میز جدید شما شوند. تنها چیزی که لازم دارید یک درل پیچ است. خب ظاهر اولیهٔ جعبهٔ میوه‌ها به شما می‌گوید که امکان ندارد چنین چیز زشتی در سالن‌ها قرار بگیرد. دو راه برای درست کردن ظاهر آن دارید. اول استفاده از سمباده، رنگ و لاک الکل است. راه حل دوم برچسب. هر دو راه بسیار ساده است و شما می‌توانید با تکیه بر توانایی خودتان از هر کدام که می‌توانید استفاده کنید. برچسب‌ها راه حل راحت‌تری است. می‌توانید از برچسب‌های طرح چوب استفاده کنید، تا میز شما طبیعی‌تر و البته هموارتر به نظر بیاید. درست شبیه تصویری که می‌بینید جعبه‌ها را به هم پیچ کنید و به همین راحتی صاحب یک میز جلوی تلویزیون جدید شوید. استفاده از چرخ‌های زیر میز کاملاً اختیاری است. اگر تصمیم دارید در هزینه‌های خانه کمی صرفه‌جویی کنید، چرخ‌ها را بی‌خیال شوید.

دکور چوبی

با دیدن این عکس حتماً متوجه شده‌اید که تا همین امروز چند فرصت برای درست کردن وسایل تازه از دست داده‌اید. جعبه‌های میوه قابلیت بالایی برای استفاده دارند و ما از آن‌ها بی‌خبر هستیم. هم می‌توانند به میز تبدیل شوند، هم جالباسی و هم یک دکوری تازه برای گوشه‌ای از خانه. با استفاده از این جعبه‌های میوه نیازی به خرید بوفه و کتابخانه‌های گران‌قیمت نیست. تنها چیزی که لازم است، کمی سلیقه و حوصله است. ظاهر دکوری جدید خانه را به خود شما می‌سپاریم. دوست داشته باشید می‌توانید از برچسب استفاده کنید یا رنگ و لاک الکل. دوست نداشته باشید هم می‌توانید از ظاهر طبیعی آن نهایت استفاده را ببرید. فقط فراموش نکنید که این جعبه‌ها استحکام بالایی ندارند و باید به وسیلهٔ میخ و پیچ محکم شوند. چند لولای ریز و ظرف تهیه کنید و جعبه‌ها را به هم جفت کنید. برای این‌که سازهٔ جدید سر جای خودش قرار بگیرد و با کوچک‌ترین ضربه‌ای از هم نپاشد، بهتر است آن را به دیوار جفت کنید تا خیال‌تان از هر جهت راحت شود.



داستان‌های اردیبهشتی

مرجان مصدق

دو اتفاق در سال‌های دور و نزدیک می‌تواند ربطی بامعنا داشته باشند. می‌توان برای آن‌ها داستان‌سرایی کرد و اول و انتها در نظر گرفت. اوج و فرود برای آن‌ها ساخت و در پایان هنگامی که پرده می‌افتد و تماشاگران سالن را ترک می‌کنند، شاهد زایش یک داستان دیگر در تاریکی سالن نمایش بود. این دو اتفاق شاید در ظاهر ربطی به هم نداشته باشند، ولی فقط کافی است چشم‌ها را شست و طور دیگری به ماجرا نگاه کرد. ماجراهایی که در تقویم اردیبهشت فقط در حد چند کلمه شده‌اند، حالا قرار است در این صفحه با نخی نامرئی به هم وصل شوند و به یک نتیجه تاریخی که نه، ولی به یک بازی جدید رسید؛ بازی‌ای که تاریخ پیش روی ما گذاشته است.

در گذشت گری کوپر و تولد فرد زینه‌مان



به قصد انتقام از او به آن شهر خواهد آمد. دوستانش می‌کوشند تا او را ترغیب به ترک شهر کنند، اما او فرار را چاره کار نمی‌داند و تصمیم می‌گیرد با آن فرد و همکاران جنایتکارش مواجه شود. این شاید یکی از بهترین همکاری‌های این دو نفر باشد که یکی از آن‌ها در اردیبهشت از این دنیا رفت و دیگری به دنیا آمد.

این دو نام در کنار هم با فیلم «ماجرای نیم‌روز» شناخته می‌شوند؛ فیلمی وسترن با بازی گری کوپر و کارگردانی زینه‌مان. گری کوپر افسانه‌ای با این فیلم موفق به دریافت اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد شد. صحبت از مرد شد، باید گفت المان اصلی فیلم‌های وسترن مردانگی است و کوپر در این فیلم مردانگی را بازتعریف می‌کند. کلانتری که رودروی تبهکار شهر می‌ایستد و پشت خود را خالی می‌بیند. کلانتر شهر پس از مراسم ازدواجش، هنگامی که به قصد ایجاد زندگی جدیدی همراه زن زیبایش خیال ترک شهر را در سر دارد، خبردار می‌شود که فرانک میلر، تبهکاری که چند سال پیش به زندان فرستاده، با قطار نیم‌روز و



آغاز به کار نخستین فرستنده رادیویی و انتشار نخستین روزنامه جهان

خبر در این عصر حرف اول را در ارتباطات و آگاهی‌بخشی دارد. شاید ما باید مدیون این ماه باشیم که دو اتفاق خوب برایمان رخ داد تا ما با پیشینیانمان تفاوت داشته باشیم. بیشتر بدانیم و بیشتر بخوانیم. برای اولین بار ما با صدا از اتفاقات دوروبرمان آگاه شدیم. جمعی که در خانه دور هم می‌نشستند و همگی بی‌سروصدا گوش‌هایشان را تیز می‌کردند تا بدانند گوینده رادیو چه خبری را از آن طرف به ما می‌رساند. کم‌کم کاغذ و نوشته‌های سرب‌اش در دل مردم جا باز کرد. مدت زمان بیشتری خبر در گردش بود و مثل صدایی که از رادیو پخش می‌شد، از بین نمی‌رفت. این‌طور شد که حالا باید این دو پدیده را از نیاکان دنیای ارتباطات و اطلاعات امروز بدانیم.



در گذشت لئوناردو داوینچی و تولد سالوادور دالی



را نقاشی کلاسیک می‌دانند و دالی را هنرمندی آوانگارد. درگذشت یکی با تولد دیگری همراه بوده است در یک ماه. این را می‌شود به تاریخ هنر ربط داد؛ هنری که دوره کلاسیک را با نقاشانی مثل داوینچی به پیش برد و به دالی ارث رسید تا او نبوغ خودش را با آن درآمیزد.

مورد توجه بوده است. لئوناردو معمولاً به‌عنوان نمونه بارز یک مرد رنسانس معرفی می‌شود. از او به‌عنوان بزرگ‌ترین نقاش تاریخ یاد می‌کنند. عده‌ای نیز او را با استعدادترین شخصی می‌دانند که تا کنون در این جهان زندگی کرده است. از آن سو سالوادور فلیپه ژاسینتو دالی نقاش فراواقع‌گرای اسپانیایی بود. دالی طراحی ماهر بود که بیشتر به خاطر خلق تصاویری گریز و خیالی در آثار فراواقع‌گرایش به شهرت رسید. مهارت او در نقاشی اغلب به تاثیر نقاشان رنسانس نسبت داده می‌شود. معروف‌ترین اثر سالوادور دالی به نام تداوم حافظه در سال ۱۹۳۱ خلق شد. او همچنین در عکاسی، مجسمه‌سازی و فیلم‌سازی نیز فعالیت داشت. او با والد دیسنی، تهیه‌کننده و کارگردان شهیر آمریکایی، در ساخت کارتن کوتاه و برنده جایزه اسکار «دستینو» که در سال ۲۰۰۳ و پس از مرگ او منتشر شد، همکاری داشت. دالی هم‌چنین با آلفرد هیچکاک در ساخت فیلم «طلسم‌شده» همکاری کرد. داوینچی



هر دو از پیش‌گامان زمان خود بودند و طرح نو در انداختند در دنیای هنر. لئوناردو دی سر پیرو داوینچی دانشمند، نقاش، مجسمه‌ساز، معمار، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان، مهندس، مخترع، آناتومیست، زمین‌شناس، نقشه‌کش، گیاه‌شناس و نویسنده ایتالیایی دوره رنسانس بود. نبوغ او شاید بیش از هر چیز دیگری

آغاز سفر مارکوپولو و درگذشت ناصرالدین شاه



می‌رسیم به ناصرالدین شاه که خوش‌سفرترین شاه تاریخ ایران بوده است. شاهی که علاقه بسیاری به سفر داشت، حاضر بود برای این‌که اسباب سفرش فراهم شود، هر امتیازی بود به فرنگی‌ها بدهد و هر فشاری بود به مردمان کشورش وارد کند. تنها تفاوت او با مارکوپولو این است که اهل سفرهای ارزان نبود! ولی خود سفر و لذت آن این دو را کنار هم قرار می‌دهد؛ آن هم در اردیبهشت که ماه سفر است.

شناخته می‌شود. این کتاب در شناساندن آسیای مرکزی و چین به اروپاییان نقش کلیدی داشت. مارکو هنگامی تجارت را فراگرفت که پدر و عمویش، نیکولو و مَفیو به آسیا سفر کرده بودند و با قوبلای‌خان دیدار داشتند. در سال ۱۲۶۹ آن‌ها به ونیز بازگشتند و مارکو را برای نخستین بار دیدند. پس از آن پدر و عمو به همراه مارکو ۱۷ ساله برای سفر به آسیا به‌وسیله کشتی، دوباره آماده شدند. پس از ۲۴ سال به ونیز بازگشتند و ونیز را درگیر در جنگ با جمهوری جنوا یافتند. مارکو به زندان افتاد و داستان‌هایش را برای هم‌سلولی‌اش تعریف کرد.

شاید با دیدن این دو اتفاق در کنار هم تعجب کنید. مارکوپولو چه ارتباطی با ناصرالدین شاه دارد؟ اگر کمی تاریخ خوانده باشید، متوجه این ارتباط می‌شوید. مارکوپولو که الهام‌بخش کریستف کلمب نیز بوده است، مشهورترین جهان‌گرد و مرد در سفر تاریخ بوده است. او یک تاجر و جهان‌گرد ونیزی در قرن سیزدهم میلادی بود که سفرهایش را در کتابی به نام «سفرهای مارکوپولو» ثبت کرده است. امروزه این کتاب با نام‌های کتاب شگفتی‌های جهان یا توصیفی بر جهان



خوانندگان گرامی مجله در این صفحه شما را دعوت می‌کنیم. تا ضمن سرگرم شدن با یافتن پاسخ مربوطه در قرعه کشی جایزه‌ای نفیس شرکت کنید. با حداقل جواب دادن به جدول این صفحه اسم خود را در گردونه شانس قواد دهید. در ضمن پاسخ‌های خود را تا تاریخ ۲۰ هر ماه به آدرس ای‌میل صفحه ارسال کنید. همراهمان گرامی جواب‌ها را هم در شماره آینده و خازیم مشاهده خواهید کرد.

[illegible]

پاسخ‌ها و برنده سرگرمی‌های شماره قبل

مهرآذین شیخ، کارمند بانک صادرات منطقه غرب تهران، به قید قرعه برنده خوش شانس شماره قبل نشریه می باشند که برای دریافت جایزه با ایشان تماس می گیریم.

۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴
۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱
۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲
۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹
۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶
۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳
۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰
۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰	۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷
۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴
۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱
۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵	۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸
۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵
۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۲
۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵	۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹
۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰	۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶
۳۰۷	۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳
۳۲۴	۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷	۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰	۳۳۱	۳۳۲	۳۳۳	۳۳۴	۳۳۵	۳۳۶	۳۳۷	۳۳۸	۳۳۹	۳۴۰
۳۴۱	۳۴۲	۳۴۳	۳۴۴	۳۴۵	۳۴۶	۳۴۷	۳۴۸	۳۴۹	۳۵۰	۳۵۱	۳۵۲	۳۵۳	۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶	۳۵۷
۳۵۸	۳۵۹	۳۶۰	۳۶۱	۳۶۲	۳۶۳											

معمای ریاضی: ۲۰ تا صفر

معمّا: اون مرد دارای قد کوتاهی است و دستش به دکمه های بالایی آسانسور نمی رسد، اما می تواند از دیگران بخواهد که دکمه را برای او فشار دهند. همچنین او می تواند در روزهای بارانی دکمه را بوسیله جتزش نیز فشار دهد!

چهره های مخفی: ۱۲ چهره
جیستان:

- ۱- ده نفر
- ۲- لاکپشت
- ۳- غاز
- ۴- ساعت پاندول دار
- ۵- پسته
- ۶- مدرسه